



دوره هشتم تقنینیه

جلسه ۲۴

صورت مشروح

# مذاکرات مجلس

( بدون مذاکرات قبل از دستور )

جلسه یکشنبه ۵ اردی بهشت ماه ۱۳۱۰ - ۷ ذی حجه ۱۳۴۹

قیمت اشتراك سالانه ۱۰۰ تومان  
 و خارج ۱۲۰ تومان  
 نك شماره : يكفران

مطبعه مجلس

## مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۵ اردی بهشت ماه ۱۳۱۰ (۷ ذی حجه ۱۳۴۹)

## نہرست مذاکرات

- ۱ ( تصویب صورت مجلس  
 ۲ ( طرح قانونی راجع به تعطیل عوامی روز های جمعه  
 ۳ ( تصویب يك فقره اعتبار تہہ  
 ۴ ( تصویب لایحه استعفاء سہ نفر متعصم  
 ۵ ( تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر بہت و انکراف
- ۶ ( استرداد و تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر ہایہ  
 ۷ ( تصویب فوریت لایحه تخفیف بانسول تریاک  
 ۸ ( شور و تصویب لایحه عالمجات انتقال  
 ۹ ( موافق و دستور جامہ بند - فتح چلہ

مجلس يك ساعت و سہ ربع قبل از ظہر براسات آقای دادگر تشکیل گردید

صورت مجلس سی و یکم فروردین ماه را آقای مؤید احمدی ( معنی ) قرائت نمودند ##

## ۱ - تصویب صورت مجلس

- میکنم در مجلس قرائت شود کہ بہکمسیون فرستادہ شود  
 رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟ آقای دبیبا  
 دبیبا - بندہ قبل از دستور عرض دارم .  
 رئیس - صورت مجلس تصویب شد . آقای دبیبا  
 ۲ - طرح قانونی راجع بہ تعطیل روزهای جمعه  
 دبیبا - يك فقرہ طرح قانونی است راجع بہ تعطیل عوامی  
 روز های جمعه تقدیم مجلس شورای بہنمایم و تقاضا
- میکنم در مجلس قرائت شود کہ بہکمسیون فرستادہ شود  
 البتہ نظر دولت ہم جلب خواهد شد  
 رئیس - میل دارید قرائت شود ؟  
 مطابقتی دبیبا - بل .  
 مقام محترم مجلس شورای ملی - نظر بہ اینکہ برای  
 جامہ عواماً و بالخصوص برای اشخاص زحمت کش ہفتہ

## عین مذاکرات مشروح بیست و چهارمین جلسہ از دورہ ہشتم تقنینیہ . ( مطابق قانون ۸ آذر ماہ ۱۳۰۵ )  
 دایرۃ تند نویسی و تفسیر صورت مجلس

## اسامی غائبین کہ ضمن صورت مجلس خواندہ شدہ است : غائبین با اجازہ - آقایان : ایشانی - فرلاب کبهر و دکتر سنگ  
 جہزی - جہراز  
 غائبین بی اجازہ - آقایان : تہود نش - دستانی - حاج محمد رضا پھلانی - مرتضی قلیچان بیات - اعظم زنگہ - روسی -  
 آقا رضا مہدوی - مسعود تائی - شریعت زادہ - مہدی  
 فر آمدگان با اجازہ - آقایان : مرانی - انصاری - پونس آقا وہاب زادہ - دکتر سبزی .

پکرز اسراحت و تعطیل حتی است و نظر باینکه روز جمعه مناسب ترین روز برای مقصود فوق است و نظر باینکه اجراء آن باید در تحت قلم و قانونی باشد مواد ذیل را بعنوان طرح قانونی پیشنهاد و تصویب آن را خواستاریم

ماده اول - مجلس شورای ملی روز های جمعه را در عرض سال تعطیل عمومی اعلام مینماید

ماده دوم - دکاکین و مقارن هائی که از حیث اجتناس طرف احتیاج روزانه عمومی است یا فریب نوید تقصیر بلبده هر محل باز و از تعطیل معاف خواهد بود

ماده سوم - نصف مزد کارکنان روز مزی در موافق تعطیل روز های جمعه از طرف صاحبان دکاکین و مقارن به تأدیبه خواهد شد

ماده چهارم - وزارت داخله نظامنامه اجرای این قانون را تنظیم و بعد از تصویب هیئت وزراء به موقع اجرا خواهد گذاشت طباطبائی دیا - سید مرتضی نوف . طهرانی . . . . ( ۱۵ نفر از آقایان )

**کارروئی** - باید تمام مزودا بدهند .

**پاسر** - در کمیسیون باید اصلاح شود .

**کارروئی** - صحیح است باید اصلاح شود .

( سداي زنگ )

**رئیس** - آقایان انتظامات را بفرمائید .

**[ ۳ - تصویب پاک فتره (اعتبار نامه )**

**رئیس** - آقای اعتبار ( احسان برای فرات خیر )

**خبر شعبه ۵**

بر طبق مقررات چاره انجمن انتخابات قفقائی در تاریخ ۱۵ بهمن ماه ۱۳۰۹ تشکیل و با انجام وظایف محوله میردازد در تاریخ دوم فروردین ماه ۱۳۱۰ انجمن از جریبان اشتیاق فرات جاسل نموده و بقرات آراء مأخوذه میردازد در نتیجه آقای محمد ساسر خان قفقائی از ۱۱۰۸۲ ورقه آراء مأخوذه با اکثریت ۱۰۱۰۰ رأی بنمایدنک حوزه قفقائی انتخاب و چون هیچگونه شکایی

با انجمن مجلس نرسیده شعبه پنجم با اتفاق نمایندگی ایشرا را تصدیق و خیرآراء تقدیم مینماید

**رئیس** - موافقین باصحت انتخاب آقای محمداسرخ قیام فرمایند ( اکثر قیام نمودند ) تصویب شد

**[ ۴ - تصویب لایحه استخدام مسافران متخصص ]**

**رئیس** - خیر کمیسیون بودجه راجع باستخدام مسافران متخصص برای رادمان فرات میبود :

**خبرگهیون**

لایحه نمره ۱۹۴ و ۱۹۶ دولت راجع باستخدام سه نفر متخصص مکابک راه آهن از امریکا در کمیسیون بودجه مطرح گردیده بان توضیحاتی که آقای کزابل وزارت طرق دادند باماده واحد پیشنهادی موافقت شده اینک واریت آنرا تقدیم مینماید .

ماده واحد - وزارت طرق مجاز است سه نفر متخصص امریکائی را برای خدمات ذیل در راه آهن جنوب بدین دو سال استخدام نماید :

۱ - یک نفر متخصص لکوموتیو

۲ - یک نفر برای سوار کردن ماشین آلات و مدیریت ماشین خانه .

۳ - یک نفر برای نگهداری و مراقبت خطوط راه آهن حقوق هر یک از مستخدمین مزبور سالیانه سه هزار دلار است و برای آمدن هر یک از آن ها بایران هفتصد دلار خرج سفر برداخته خواهد شد و وزارت مایله مجاز است مبلغ مزبور را که چما ۱۳۲۰۰ دلار میشود از محل اعتبار عایدات انحصار قندو شکر و چای بپردازد سایر شرایط کمزرات مستخدمین مزبور بر طبق قانون ۲۳ فقره ۱۳۰۱ تعیین خواهد شد .

**رئیس** - واریت کمیسیون امور خارجه در این موضوع قرائت میبود

**خبر کمیسیون**

کمیسیون امور خارجه لایحه نمره ۱۹۴ و ۱۹۶ دولت راجع باستخدام سه نفر متخصص امریکائی برای خدمات راه آهن جنوب را مورد مطالعه قرار داده و

استخدام سه نفر مهندس مزبور از تقاضا نظر بنسبت دولت و موافقت نمود و اینک خبر آن را تقدیم مجلس شورای ملی مینماید .

**رئیس** - ماده واحد مطرح است آقای ملک زاده **ملک زاده** - عرض کنم بنده دو موضوع بود که میخواستن عرض برسانم یکی مستقیماً راجع باین لایحه است و یکی هم تناسب غیر مستقیمه با این لایحه داشت که خواستن عرض رسانده باشم . آن قسمتی که راجع

باین لایحه است ببقیده بنده شاید میتوانستند از بعضی از ممالک اروپا از قبیل بلژیک سوئیس متخصمین ارزاتر و مناسبتر کمزرات کنند و تقاضا میکنم آقای کفیل وزارت طرق جهات و موجدینی که این نظریه را مورد توجه و دقت قرار داده اند بیان کنند ( یک نفر از نمایندگان - احسن ) دوم موضوعی که میخواستن عرض برسانم البته آقایان میدانند مسئله خط آهن یکی از مرام و آرزو های طبقه منور الفکر مملکت بوده است حتی در اغلب از مرامهای که احزاب نوشته اند یکی از بزرگترین ترین مواد آنها همان تأسیس خط آهن بود پس درجهت آنکه شاید در روی همین اصل چندین کمیته روی کار آمد و کار فزونی در موردی که آنوقت هم شاید وسایل زیادی نداشتیم از برای انجام این مقصود و فقط کارها بیش از حرف شروع میشد و بحرف منتهی میشد ولی هر چیزی طبعا در دنیا اول وجود ذهنی و بعد وجود فاعلی و بالاخره وجود خارجی وقت میتواند پیدا کند که وجود فاعلی پیدا کرده باشد و الا این موضوع که یکی از مهم ترین طبقه منجمد بوده صورت بگیرد و این یک چیزی است که بنده و همه صدیق داریم که مملکت بیچاره ما چیز فتر است از حیث داشتن افراد مطلع و متخصص ما همه چیز داریم ببقیده من ولی آدم سداریم بنا بر این منتج میشود که هر شعبه را که دست میگیریم و هر کاری که میخواستیم بکنیم باید یک متخصصینی را برای اینکار دعوت کنیم و بنوعی واجب غلبی زیادی استخدام کنیم در این مدت هر وقتا میتوان گفت که مملکت نتوانسته

است در علوم جدید و امروزه با چندین بانک و مطهرین تهیه کند البته اشخاصی هستند که تحصیل کرده اند یک تحصیلات علمی و تدبیر فرمایند برای اینکه آن تحصیلات با احتیاجات مملکت مطابقت داده شود باید در یک قتی بجهت بود تحصیلات ناقص و مملومات ناقص گاهی هم در مملکت متر واقع میشود این است که همه موافقین که البته باید متخصمین را دعوت کنیم ولی در این حال ببقیده بنده در موردی که اشخاصی در مملکت باشند که بتوانند مطابق اصول امروزه بعضی از شعب را اداره بکنند حق این است که از افراد داخل مملکت استفاده بشود و آنها را برای کار دعوت کنیم . بنده اخیراً شنیدیم که از برای راه آهن جنوب یک فرطیب خارجی استخدام شده است و البته آقایان تصدیق میفرمایند که بگانه شعبه از معارومات و تحصیلات جدید نتوانست است نتیجه علمی در مملکت بدهد و یک اشخاصی که بتوانند از عهده وظایف خودشان مطابق اصول مقرره امروز دنیا برآیند و یک عده ایطائی که خیلی خوب تحصیل کرده اند الا این هم در مملکت ما هستند مخصوصاً در این وقت از طبای خوب اروپائی کار میکنند و عمل میکنند و زحمت میکنند و ببقیده بنده باید مطابق این طبای تحصیل کرده که بتوانند وظایف مربوطه را انجام دهند حق و اصاف نیست که ما برویم از خارج یک اشخاصی را استخدام کنیم و طبیبی از خارج بیآوریم این دو موضوع بود که بنده میخواستن عرض کنم .

**کفیل وزارت طرق ( آقای کاظمی )** - اینجا آقایان نسبت را متذکر شدند یکی راجع باینکه چرا این چند نفر متخصص را از بلژیک یا سوئیس استخدام نمی کنیم دیگر آنکه با داشتن طبایه داخلی اشاره کردند باینکه با یک فرطیب خارجی استخدام شده است نظر دولت سهوات و پیشرفت کار بوده و متخصص و مهندس کی راه آهن امریکائی است و با این اشخاص سابقه ( یعنی سابقه کار ) دارد و آنها را می شناسد و مذاکره با آنها بعمل آمده و بالاخره رئیس بالادست آنها امریکائی است اما راجع





و باید توهمان، یکی هفت هزار و باید توهمان دیگر که  
 اگر يك نفر را که استخدام میکنند از يك چای دیگر که  
 لیسوخ پولشان اینقدر کران نیست استخدام کنند فعلاً  
 نصف این مبلغ تمام میشود صرف اینکه يك نفر مهندس  
 امریکایی گفته چنانکه لوگو توهموران امریکایی باشد بالاخره  
 دولت باید استخدام کند لژیونی دارد امریکایی باشد چه  
 دلیلی دارد برای اینکه مهندس امریکایی گفته است باید امریکایی  
 باشد ما حتی باید قبول کنیم مهندس باید راه آهن دولت  
 بکشد ولی نباید که بدولت دستور بدهد مهندس راه آهن  
 اگر آلمانی باشد آت مهندس امریکایی است مهندس  
 خواهد داد از کارش با جالی بیست هزار دولتی یکی دیگر  
 چیزی که راجع به طبیب که آقای دکتر ملک زادم گفتند  
 باز جواب مفتح ندادند بنده شنیدم که ماهی دوهزار دلار  
 میدهند بيك طبیب امری لندي این حرف نیست و آقایان  
 پول دوهزار دوهزار از چکر مردم کتبه میشود برای  
 اینکه راه درست شود برای دولت وقت بگویم بیسالی  
 دوهزار دلار بدهد بيك طبیب. آقا بوقت امری لندي استخدام  
 کنید با ماهی چهارصد توهمان نه باید توهمان نه هزار توهمان

**توضیح**

چون این مسئله همبر لوگو موثروم است و فقط در این  
 نیست و کار آنها نیست و بالاتر می باید باشد که آنها  
 را نیز تعلیم کنند

**ولیس**

ولیس - آقی کاررومی  
 دریا که اکثر امریکایی و طبیب های در چو اول این را بیس  
 کل میبند خردان بيك مونسک تقیری همین باید به متها  
 در چه صفر فکر کنیم دیگر بک عددا زمانبندگان بنده فکر  
 دادند که يك عده شاکرد فرستاد بودند برای تحصیل خط  
 آهن و يك عده از آنها هستند که برای اردن لوگو موثرو  
 خوب هستند اینها را آورده اند ولی بکار های دیگر  
 که گفته اند خوب چرا اینها را بکار نمی اندازند بالاخره  
 برای راه آهن که ما باید هفتاد درجه صرفه چوولی  
 را بکنیم بنده هیچ دلیل و منطقی نمی بینم و خیر  
 هم عمل داشتن که مخیر گویند موثر خارج به ما بگویند  
 دلیل اینکه این مهندسین را از امریکا بیآورند چیست

**تعلیم وزارت طرق**

تعلیم وزارت طرق - اشتباه از اینجا ناشی شده است  
 که میفرمایند لوگو موثروم آن میخواهیم بیآوریم عرض  
 کردم کسی است که باید تعمیر کند و اصلاح کند  
 و بالاخره باید متخصص این کار ها باشد و مشیت فعلی

لوگو موثرومهای آنجا خوب نیست و باید کسانی باشند  
 که اطلاعات زیاد داشته باشند و بتوانند اینها را اصلاح  
 کنند البته اکثر لوگو موثروم و توفی ران بود این حرف  
 مورد داشتند. فرمودند که چرا از دورترین نقاط امریکا  
 بیآورید و مقهور بنده این بود که آنجا دورتر است و  
 جای دیگر نزدیکتر و مقهور بنده این بود که وجود  
 این متخصصین ضرورت لازم است و يك نفر مهندس عالی  
 رتبه ما با آنها کار کرده است کامل آنها را می شناسد  
 که میتوانند از عهده بر بیایند و این تسووع استخدام را  
 خصوصاً که برای کار های مهندسی وقتی است بیسوک  
 نمیتوان کرد باید وقت و تخصص کرد و بالاخره دید  
 که او هم راضی است باه و اگر ما او را بپذیریم  
 او میاید یا نه اما عرض کنیم راجع بشاکرد ها که  
 فرمودید شاکرد ها فقط راندن را بلد هستند ولی  
 چون این مسئله همبر لوگو موثروم است و فقط در این  
 نیست و کار آنها نیست و بالاتر می باید باشد که آنها  
 را نیز تعلیم کنند

**ولیس**

ولیس - آقی کاررومی  
 دریا که اکثر امریکایی و طبیب های در چو اول این را بیس  
 کل میبند خردان بيك مونسک تقیری همین باید به متها  
 در چه صفر فکر کنیم دیگر بک عددا زمانبندگان بنده فکر  
 دادند که يك عده شاکرد فرستاد بودند برای تحصیل خط  
 آهن و يك عده از آنها هستند که برای اردن لوگو موثرو  
 خوب هستند اینها را آورده اند ولی بکار های دیگر  
 که گفته اند خوب چرا اینها را بکار نمی اندازند بالاخره  
 برای راه آهن که ما باید هفتاد درجه صرفه چوولی  
 را بکنیم بنده هیچ دلیل و منطقی نمی بینم و خیر  
 هم عمل داشتن که مخیر گویند موثر خارج به ما بگویند  
 دلیل اینکه این مهندسین را از امریکا بیآورند چیست

**تعلیم وزارت طرق**

تعلیم وزارت طرق - اشتباه از اینجا ناشی شده است  
 که میفرمایند لوگو موثروم آن میخواهیم بیآوریم عرض  
 کردم کسی است که باید تعمیر کند و اصلاح کند  
 و بالاخره باید متخصص این کار ها باشد و مشیت فعلی

مستعدی که از مجلس میگذردند میگذاشتند و خاطر هم  
 می آید حالا دورش را نظرم بیست ولی خاطر هم می آید  
 آقای وزیر مالیه خودشان این نظر را داشتند که ما  
 استخدام میکنیم از هر دولتی آن دولت تصدیق نماید که  
 واقعاً متخصص هست بنده نمی خواهم تردید کنم ولی  
 اگر چنانچه هر که برود که کارل بيك مهندس عالی مقام  
 بيك فری را هم می فرمایند سابقه دارد با او او را برای  
 اینکهتر میخواهد بکنم آن شخص را نداشته باشد  
 برای آن منظوری که میخواهد آوردیم اینجا و بالاتر  
 ماند باین جهت نظر بنده این بود حالا که ما با بيك  
 مخارج زیادی بيك متخصص لوگو موثروم میخواهیم بیآوریم  
 و حال آنکه از جای نزدیکتری میتوانیم بیآوریم فعلاً  
 این را دولت امریکا اداره راه آهن دولتی تصدیق نماید  
 که آقا این کاری که شما از این شخص میخواهید ازش  
 ساخته است که وقتی می آید ازش استفاده بشود  
**ولیس مالیه** ( آقای می زادم ) - بعد از امتحانات  
 مختلف و طریقه های گوناگون که هر يك از آقایان بيك  
 طریقه ای را می پیشنهاد میکنند یکی این است که دولت مقبور  
 تخصص او را تصدیق کند یکی دیگر عقیده اش این باشد  
 که چرا باید رجوع میکنید خودتان یکی دیگر که ارزانه  
 و قابل تر باشد بیك کنید یکی هم عقیده اش این باشد  
 که ما مختلف بایدیم که همبگیر را بیایند بيك می عقیده اش  
 اینطور باشد که از بيك ملک واحد بیآوریم که ما هم  
 خوب کار کنند بالاخره دولت که دستش در کار است  
 و اینها را در عمل تجربه کرده بالاخره عقیده دولت و  
 اشخاصی که مهارت و تخصصی این کارند اینطور است که  
 اولاً از ملک های مختلف برای بيك کار آوردن یکی از  
 خطای های بزرگی است که هر کس هم که این عقیده را  
 داشته باشد و فکرش این باشد که دو سه نفر را بیآورند  
 مختلف که این کار را انجام بدهند بزودی میتوان خواهد  
 شد و باین منتهی خواهد شد که بيك کار همین را دو سه  
 نفری که با همبگیر سازش خوب دارند و سوابق دارند و  
 زبان همبگیر را میفهمند ( مقصود از زبان لغت نیست )  
 مقصود این است که با همبگیر خوب راه برند اینها

**ولیس**

ولیس - آقی کاررومی  
 دریا که اکثر امریکایی و طبیب های در چو اول این را بیس  
 کل میبند خردان بيك مونسک تقیری همین باید به متها  
 در چه صفر فکر کنیم دیگر بک عددا زمانبندگان بنده فکر  
 دادند که يك عده شاکرد فرستاد بودند برای تحصیل خط  
 آهن و يك عده از آنها هستند که برای اردن لوگو موثرو  
 خوب هستند اینها را آورده اند ولی بکار های دیگر  
 که گفته اند خوب چرا اینها را بکار نمی اندازند بالاخره  
 برای راه آهن که ما باید هفتاد درجه صرفه چوولی  
 را بکنیم بنده هیچ دلیل و منطقی نمی بینم و خیر  
 هم عمل داشتن که مخیر گویند موثر خارج به ما بگویند  
 دلیل اینکه این مهندسین را از امریکا بیآورند چیست

**تعلیم وزارت طرق**

تعلیم وزارت طرق - اشتباه از اینجا ناشی شده است  
 که میفرمایند لوگو موثروم آن میخواهیم بیآوریم عرض  
 کردم کسی است که باید تعمیر کند و اصلاح کند  
 و بالاخره باید متخصص این کار ها باشد و مشیت فعلی

بهر است. اما اینکه گفتند تخصص آنها را دولت تصدیق  
 کند اینها در صورتی است که آنها مأمور دولت باشند  
 البته آقایان میدانند که در امریکا راه آهن مال مردم است  
 مال دولت نیست و دولت امریکا خودی را باین کار  
 مشغول نمی کند حتی خود کارل که متخصص و رئیس  
 تمام این راه آهن است او را بنسوخ دولت امریکا استخدام  
 نکردم ولی وقتیکه آمده اینجا تجربه کرده اند غیبی  
 خوب در آمده و اعتماد پیدا کرده اند هم به علم او هم  
 به ایفای او هم دلوسوزی و خوب کار کردش این کار  
 را باو سیرده اند این کاری که باو سیرده اند تصدیق  
 بفرمایند که کاری است که باهنازه چندین میلیون باختیار  
 اوست فقط حساب آرا باید بدهد یعنی او اگر بخواهد  
 امروز بيك میلیون توهمان لوگو موثروم بگذرد و رابل بگذرد  
 می تواند و باو اختیار داده ام که دولت که همه اجتناب  
 پول ها را خرج کند بيك تکه کار کوچکش که همه اجتناب  
 دلار است آرا به مجلس می آوردند نه از این جهت که  
 پولش تصویب شود پولش را اجازه داده اند پول هم  
 تصویب می شود ولی عمده بيك شرطی است که از قوانین  
 اساسی ما باقی مانده است و مستحسن هم دیده شده  
 و همیشه نگاهداری شده است برای اینکه مملکت ایران  
 در گذشته یعنی از تجربه های بر زمین داشته است  
 گفته اند که اگر متخصص خارجی میآید عمده برای  
 ملبش است که آقایان صلاح میدانند او را بیآورند با  
 نه ولی برای کار های دیگرش که مقصد دلار بدهند با  
 باند دلار همه این چانه ها را که ما میزیم شاید برای  
 چند صد توهمان خرج سفارش است ولی این شخص را  
 ما اختیارات باو دادیم چندین میلیون دلار و توهمان در  
 زیر دست او بدون هیچ عقوبت و شرطی الا اینکه حسابش را  
 بدهد بدست او داده ایم آن کار های دیگر را بکنند  
 و کار های که تا بحال داشته قبل از این اختیارات معلقه  
 داشته یعنی خود وزارت خانه پیشنهاد میداده در ضمن  
 دستور العمل و اختیاراتی که بهش دارد بيكی هم ایستد که  
 این مهندسین را خود او باید پیشنهاد کند و موافقت  
 کند حالا بيك مهندس آلمانی بيك مهندس بلژیکی از اینجا

**ولیس**

ولیس - آقی کاررومی  
 دریا که اکثر امریکایی و طبیب های در چو اول این را بیس  
 کل میبند خردان بيك مونسک تقیری همین باید به متها  
 در چه صفر فکر کنیم دیگر بک عددا زمانبندگان بنده فکر  
 دادند که يك عده شاکرد فرستاد بودند برای تحصیل خط  
 آهن و يك عده از آنها هستند که برای اردن لوگو موثرو  
 خوب هستند اینها را آورده اند ولی بکار های دیگر  
 که گفته اند خوب چرا اینها را بکار نمی اندازند بالاخره  
 برای راه آهن که ما باید هفتاد درجه صرفه چوولی  
 را بکنیم بنده هیچ دلیل و منطقی نمی بینم و خیر  
 هم عمل داشتن که مخیر گویند موثر خارج به ما بگویند  
 دلیل اینکه این مهندسین را از امریکا بیآورند چیست

**تعلیم وزارت طرق**

تعلیم وزارت طرق - اشتباه از اینجا ناشی شده است  
 که میفرمایند لوگو موثروم آن میخواهیم بیآوریم عرض  
 کردم کسی است که باید تعمیر کند و اصلاح کند  
 و بالاخره باید متخصص این کار ها باشد و مشیت فعلی

استخدام کنیم برسرینم آنچه بگولیم که آن کاری را که ما هیچ نهدیابیم چه هست و درست نینداید او را یکبارید سرانکار این پیشرفت ندارد و اشخاص را مخصوصاً میبندد مخصوصاً خاطر دارم که آقای کابل همیشه این عقیده را داشت که از امریکا هم نیشود هر مهندسی را برداشت آورد بلکه آن مهندسی که خارج از امریکا کار نکرده ببرد اینچایها نیشورود و مخصوصاً میبکشد باید مهندسی باشند که آدم آنها را خودش بشناسد و مخصوصاً در مشرق زمین و ممالک دیگر دنیا کار کرده باشند و این نوع کار را خوب بلد باشند این اشخاصی را که از بنده مینتسند استخدام میکنند و تا حالا هم ما بر خلاف انتظارمان نیست بکار های او چیزی بیش نیاورد است بلکه هر چه پیش رفته است موافق مطلوب شده و دولت کل رضایت از او دارد و تا آنجائی که بنده اطلاع دارم وزارت طرق نهایت رضایت را دارد و اعمال و رفتار او را مطابق مقصود دیده است حالا مینتقد آقایان ملاحظه فرمایند که آن مخارجی که چندین میلیون دلار نه بلکه لیره خرج میشود این شخص محدود کرده است بجای بیست هزار دلار اعمار خارجی را حتی الامکان هر چه را که ممکن است در خود ایران عمل بیارود صرفه جوئی میکند حتی در این استخدام هایشان هم که دیده ام حقوق زیاد نیدهود باینکه کسی که لو کوموتیو را نهبر و اصلاح میکند باید یک میلیون بخر خوب باشد راست است بکفتری خرج سفرش بیشتر از بلژیک و آلمان میشود ولی این مسأله در مقابل چندین میلیون خرجی که میکند اهمیتی ندارد نکته مهم و افاضاً این است که تشخیص داده شود امریکائی با استخدام ایران باشد شاید صلاح نباشد آن مطلب دیگری است صلاح نباشد باعد اش زیاد نباشد آن مطلب دیگری است که ممکن بود در کمیسیون خارج چه بحث شود و دیده شود که کمیسیون خارج چه هم ایرادی بوش ندیده اند و همین ندیده اند و این مهندس امریکائی هم که در خدمت ما هست خوب کار کرده است و اگر یک نفر رفیق هم برای خودش بیارود

کارش منظم فرمی شود از این جهت بود است که از امریکا خوشنیم استخدام استخدام کردیم و دوست و سید دلدار هم مطلب موهبی که لایحه برای آن به مجلس تقدیم شد است نیست و امیدوارم که برای پیشرفت کار تشخیصیکه او را دولت استخدام کرده است و خوب هم کار کرده است دولت به او اعتماد کرده است اول آمده است کار کرده است باز او را کثرت کرد و حقوقش را زیاد کرده است و باو اختیارات داده است و او را نوکروش کرده است و فعلاً با نظر او، اوقات میکند با اینکه اتفاقات دنیا زیاد است و مجال نیست اگر بخلاف انتظار چیزی بیاید شد آفتق باید گفت که ما بشما افتقد اعتماد نداریم و باید خودمان همه چیز را وقت کنیم به بینیم صحیح است بانه و الا فعلاً در هر چیزی که پیشنهاد میکنند عقیده بنده این است که وزارت طرق هم باید آطور بکند همینطور هم میکنند نهایت مساعدت را بکنند که زودت وسایل کارش فراهم شود و زودت کارش تمام شود.

**ولیس** - آقایانیکه پیشنهاد آقای اعتبار را قایل توجیه میدانند قیام فرمایند

(عده کمی قیام نمودند)

**ولیس** - قابل توجه شد. در پیشنهاد از آقای دنتی و آقای رهنما رسیده است که این لایحه امروز از دستور خارج شود و در جلسه آتی مطرح شود. آقای دنتی

**دنتی** - عرض کنم که بالاخره باید همه ما اعتراف کنیم یعنی بنده خودم اعتراف کنم و یک نفر از رفقا هم با بنده شریک شدند که این اظهاراتی که نماینده های دولت کردند بچپوچه قطع میکنند بود پیشنهاد آقای اعتبار این بود که این شخص مخصص را که استخدام میکنند دولت امریکا با کمیائی تصدیق کند که او متخصص است آقایانتهی زاده یک میلیونی از کار های کارول و توجه آن بیان کردند و گفتند که در سال برای راه آمدن چندین میلیون خرج میشود و یک دلیل از برای اینکه پیشنهاد آقای اعتبار لزومی ندارد فرمودند گفتند که کارول خیلی خوب آدمی است و ما بهش خیلی

افراد داریم و سالی چند میلیون خرج دست او خرج می نمود ولی این دلیل میشود که این شخص را که میخواهید استخدام کنید منحص باشد عرض کنم که آن صحبت اولی که ما کردیم این قسمت را هم در حقیقت آقای وزیر ماله جواب عراض بنده را در اول دادند که چون ما به این شخص اعتماد داریم و سالی چند میلیون پول زیر دست او خرج میشود باید در سایر کار ها و در جزئیات هم باو اعتماد داشته باشیم بنده عقیده ندارم که انسان در کارها چنیه افراط و تفریط داشته باشد همین مسز کاری بود که در هیئت نظارت راه آهن بود و این کمیائی بولن که در جنوب این همه خبر کاری کرد و این همه کثرت کاری کرد و ابتدا حرف نزد کارل چه کرد! منتهی وقتی که صحبت کردند گفتند که کارلیه ما رابرت داد منتهی ما بهش اهمیت ندادیم باید وزارت خانه و دولت که رابرت او را اهمیت نداد مجازات بشود که چرا رابرت کارل را ترتیب اثر نداده اند بالاخره عرض کنم که ما بچپوچه و بهیچ دلیل قنهمیدیم که چرا حتماً مسز کارل بایش را نوی یک کش کرده است که حتما این مهندس از امریکا آورده شوند و چون از جواب ها هم که دادند مسارا قطع نکردند بنده پیشنهاد کردم که فعلاً دستور خارج شود و بعد صحبت کنیم یک نکته دیگر هم در صحبت آقای وزیر ماله بود که لازم میدانم عرض کنم این بود که فرمودند چون رئیس راه آهن امریکائی است از این جهت باید یک هیئت متحد الفکائی از مهندسین درست کنیم نظرم هست که چند ماه پیش آقای وزیر ماله گفتند که این چه ضرر دارد که ما مهندسین را از دلت های مختلفه استخدام کنیم که این نظر او باشد و آن نظر این بالاخره زبان است و میشود همه جور چرخاند آنچه میگفتند که باید از مملت مختلفه باشند که برای یکدیگر نظر باشند حالا مقرر مینماید که باید از یک ملت باشند و متحد الشكل باشند برای اینکه زبان همیدیکر را بدانند برای اینکه مثالیه شان یکجور باشد نه اینکه بعضی

آمریکائی باشد یکی آلمانی باشد و یکی بلژیکی.

**دکتر طاهری** (مخبر کمیسیون بودجه) - بمقتدیند این لایحه که اینجامطرح شد مذاکرائی که آقایان اینجا کردند در اطراف ملت بود و کمیسیون خارج هم ملت آنها را تصدیق کرده است و آقای رهنما آقای دنتی هر دو نوبت کمیسیون خارج چه برسد و تصدیق کرده اند و حالا مطرح شده در کار چنانچه آقایان آن کنترالهائی که برای مستخدمین امریکائی بسته شده است در نظر داشته باشند ملاحظه خواهند فرمود که هم حقوقشان از این زیادتر است و هم خرج سفرشان و این خرج سفری است که مکرر اینجا مذاکره شده که منند دلار زیاد است و ما هم خودمان در کمیسیون اشکال کردیم مذاکره شد و وقتی مراجعه شد دیدیم که در قوانین سابق و کنترالهائی گذشته هیچکدامشان از مقصد دلار گذر خرج سفر نداشته اند و خرج سفر متصفه نمید دلار داشته اند اگر پول ما منزل کرده است منطاط نیست و بخرج سفر مربوط نیست خرج او باید دلار باشد و با دلار هم او را استخدام میکنند اگر یک وقت دلار هفت قران است یا دوازده قران باشد یا هفده قران مربوط به مستخدم نیست اما در قسمت استخدام این مهندسین همه مسووفم که قسمت راه آهن شمال آن طوری که باید پیشرفت کرده است و در قسمت جنوب نواقصی داشته است حالا که دولت از قسمت شمال فارغ شده است این طور تشخیص داده که باید در قسمت جنوب هم نواقص را خودش رفع کند مذاکرات زیاد شد و مکرر پیشنهاد شد کمیائیهائی عالم پیشنهاد کردند برای اینکه بیاید نواقص آنرا رفع کنند هیچکدام دولت مسرفه و صلاح خودش ندید و بالاخره خود دولت حالا تصدیق گرفته است که نواقص راه آهن را رفع کند و بکار بنیدازد و بهترین اشخاصی که در خدمت خود دارد و امتحان داده است همین مسز کارل است این مسز کارل را با اختیاراتی واداشته اند این چا چند روز پیش بود که پنج میلیون ودویست و پنجاه هزار تومان (هئوزبک هفت نگذشته است) برای قسمتهای مختلفه راه آهن

که هیچ شباهت بهم نداشت ما اعتبار به وزارت طرق دادیم و آنچه که مربوط به راه آهن جنوب است وزارت طرق می‌هد به کار بدون این که یک دینارش را بیاورد این جا و کلمه به کلمه تصویب کنند فقط یک اختیاراتی مطابق قانون سابقا مجلس داده بود به وزارت طرق که تا آخر ۱۳۰۹ آنچه که میخواهد مستخدم خارجی کثرات کند اختیار داشته باشد و اجازه داشته باشد عده را هم کثرات کرده است حالا هم اگر آن وقت نماینده بود و همین سه نفر هم قبل از اغتصاب سال ۱۳۰۹ استخدام کرده بود و اصلا به مجلس نمی آمد و ما برای این که میلیون ها بیاوریم در اینجا خرج کنیم راست است که رعایت صرفه جوئی را میبایستی بکنیم ولی از آنطرف هم هر چیزی که ارزان است يك مایه می‌دارد و هر چیزی که گران است يك فوائدی هم دارد نمائش را که نمیتواند ارزان تهیه کنند چیز ارزان يك مایه هم دارد اگر آن کسی که رئیس راه آهن است صلاح بداند که این سه نفر متخصم باید استخدام بشود هر صورت دوازده تومان سه هزار تومان پولش بشود و ما بگوئیم پندبرای این سه هزار تومان صرفه جوئی کنتینرهای شخصی را استخدام کنیم که ضرر آنها بنظر کسی که آرا استخدام میکند بیشتر از بردش است و بعقیده بنده آقای دشتی نماینده محترم آقای رحمتا هم خوب است موافقت بفرمایند و از پیشنهاد شان صرف نظر بکنند و باین لایحه هم رأی بدهند و راه آهن هم راه بیفتند .

**رئیس** - آقای رحمتا هم میل دارند مستقلا راجع به پیشنهاد خودشان صحبت بکنند ماضی ندارد **رحمتا** - اولاً در قسمت اخیر فرمایشات آقای مخبر عرض بکنم ( اقبال - بگفتندری بلند تر بفرمایند ) آقای مخبر در خانه پایتانشان فرمودند که خوب است این پیشنهاد را پس بگیرند عیالنا این دو هزار تومان هم زیاد فر خرج شود . عرض کنم که بنده میخواهم این مسئله را حقیقتاً بهم که مقصود از بحث در يك

لایحه چیست ؟ اولاً بحث خوب است با نه خواستم برکرم بول کار بزم الله الرحمن الرحیم الف و ب و ه شروع کنیم که بحث در يك لایحه که از روی احساسات باشد خوب است یا بد است باید بر کردیم و در مورد بالاتر که نویسنده کلان در موضوع شور و عسوت چه گفته اند و این مسئله قابل انکار نیست و محتاج به بیان نیست که حقیقت بحث در يك لایحه و يك مسئله هر چه بشود مخصوصاً بحث از نقطه نظر مجوم و حمله نباشد و از نقطه نظر نوروزی که دیدت تمام اطراف قشینه باشد این بسایر خوب است به آن آفت بیاورد که عسوت و بدحالی هم دیگر بقی آن وقت حرف میزنند و دلایلی که می‌آورد افکاری را که بنده دارم در نتیجه جوابهایی که داده میشود همینطور برطرف بشود ولی نه اینکه شما وقتیکه دلایل خودتان را آوردید بنده مثل یک میخی سر جای خود بایستم و بگویم بنده از اینجا رد نمیشوم پنجشنبه برف خودم و شما هم هر چه بگوئید قنومم اگر غالباً بحث از نقطه نظر انتخاب فکر خوب باشد آفتوبت باید دید فکر خوب کدام است و آنرا قبول کرد حالا آدمبر سر لایحه صحبت سر این است که آقا ما میخواهیم یک متخصص لایحه متخصص اکومونیست بیاوریم متخصص لکومونیست چیست؟ ( استعفا میکند توجه بفرمایند چون ممکن است بنده غلبه حرفها را نکنم بگذارم ) ما دولت متخصص لکومونیست يك کسی است که برود بنشیند پشت لکومونیست و آنرا رابیرد و اگر يك پیشش خراب شد بتواند درست کند و اگر يك قسمت دیگرش هم خراب شد بتواند درست کند کار متخصص لکومونیست که از این بالاتر نیست این را میگویند متخصص اکومونیست اگر فلان پیشش نکند او يك اطلاعاتی داشته باشد که درست کند بفر از این که نیست ؟ متخصص دیگر مسال ماشین سوار کردن است ماشین سوار کردن یعنی چه ؟ یعنی اسبابهای قسمت قسمت شده ماشین را این شخص بتواند سوار کند و ماشین را درست کند این کار خراب شد بتواند درست کند ولی حالا بنده میخواهم بهم که سزا کار اینجا بگوید که باید مطابق سابقه من سوار کند عمل که سابقه

ندارد عمل که میدادی مساله دارو لکومونیست مرکب است از چند قسمت و چند پیش دارد و معین است که چه جور سوار میشود و بنده مطمئنم که هرگز مسال کار اینطور نتواند بگوید آخر این ربطی به مسز سکار ندارد این آدمی است که می آورد برای لکومونیست برای این شخص برای این است که فلان ساعت بهش دستور بدهند که این ماشین از اینجا باید برود آن جا و فلان وقت برگردد آن دیگری هم ماشین را باید سوار کند این هیچ ربطی به اختیارات کارول بقادامات کارول دارد ؟ این هیچ ربطی ندارد منتهی صحبت سر دو چیز است یکی این که هر چه کارول گفتند مگر ما مجبوریم که قبول کنیم ؟ و بیاوریم همینطور کسی که آقای دشتی گفتند مسال لازم است که ما افراط و تفریط نکنیم يك مرتبه این طور بگوئیم که اگر دو نفر متخصم ارزان بیاوریم کار ها خوب نیستند بنده نمی توانم بفهمم که چرا نمیشود و فرمودند که اگر از يك ملت دیگری بیاوریم کار ها درست نمی شود چرا نمیشود ؟ اگر شما يك نفر سولیس را استخدام کنید بیاورید بهش بگوئید که شما باید در این ساعت این لوکوموتور را ببرید از اینجا به آنجا و اگر تعمیر می پشیا کرد تعمیر کنند این نمی شود ؟ این چه دلیل دارد که ما بخارو يك نفر آمریکائی را بیاوریم ؟ این مطالب را برای تذکر میگوئیم و نقطه نظر دیگری ندارم حالا قربان باسلام این دلایل مبرماید که لازم است این متخصصین بیاورند اما گفتیم که از دست و خارج شو درهای اینکه بیرون صحبت نکنیم شاید مسا اشتباه کرده باشیم باینکه بالاخره ممکن است که شما ( هنت قرآن در میان ) اشتباه کرده باشید و عقبه بعد از مذاکره حل می شود این بود خلاصه نظریات بنده حالا باز بنظر مجلس و آنگاه میگویم هر جزو میخواهند رأی بدهند **مخبر** - استدلال همانطوری که فرمودند ممکن است هر طوری تغییر نند این اده که آقای رحمتا اقامه کردند موجب این میشود که ما هیچوقت از امریکا متخصص استخدام نکنیم برای این که فرمودند پول آن زیاد میشود در صورتی که

همین مسز کارل که دولت نهایت شایسته را از او دارد امریکائیس است از تمام مستخدمین گرانتر است سالی بیاید سی و چهار هزار تومان پول بگیرد ممکن است بکنند و شایسته است که سالی پنجاه هزار تومان سالی ده هزار تومان پول بگیرد تمامش که نوبه این عقیده را داشت که يك يك چیزی که ارزانتر است بدست بیاوریم پس این استدلال که فرمودند وارد نیست حتی همین لکومونیست را که فرمودند همینطور است یعنی ممکن است تطبیق بشود ممکن است نتود بعقیده بنده وقتی که دولت تشخیص داد که يك شخصی باهر ملاحظه که هست از يك جایی انتخاب شود بهتر است تا از يك جای دیگر انتخاب شود ما نباید صرفاً باینکه از فلانجا اگر بیاوریم گرانتر است صرف نظر کنیم بنابراین حالا که ما آن شخص را که رئیس این قسمت است انتخاب کردیم و با او مطمئنان واردیم و نظریه او را قبول کردیم اگر اشتغالی را او اصلاح دانست و گفت که این اشخاص باید باشند به صرفه و صلاح این است که آن نظر را قبول کنیم و آن چیزی که گرانتر است قبول کنیم و در مورد عقب يك چیز ارزانتری که صلاح باشد **رئیس** - آقایانیکه موافقت لایحه از دستور امروز شروع شود قیام فرمایند .

( عده قبلی قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد . پیشنهادی از آقای فهیمی رسیده است قرائت میشود .

پیشنهاد می‌کنم که جمله چما سیزده هزار دو وست دلار میشود از آخر ماده حذف شود .

**رئیس** - آقای فهیمی

**فهیمی** - در آخر ماده یک رقمی نوشته اند که با هیچ حسابی باقی مانده در دست در نمی آید برادر سال این مستخدمین استخدام میشوند هر کدام با سالی سه هزار دلار که دو سال جمعاً میشود دوازده هزار دلار و اگر خرج سفر شان را حساب کنیم اباب و ناهب میشود چهارده هزار و هشتاد دلار و اگر بکسای هم حساب کنیم میشود یازده هزار و کسری دلار اینجا حقوق بکسای را معین کرده اند و خرج سفر

۱۱- **تقدیم یک فقره لایحه انظر فی آقای وزیر پست و تلگراف**  
**رئیس** - آقای وزیر پست و تلگراف یک کار کوچک دارند. بفرمایند.  
**وزیر پست و تلگراف (آقای میرزا قاسم خان صوف)**  
 لایحه پست راجع به استخدام سفر متخصیص میسبب تقدیم می‌کند.  
**۱۲- استرداد و تقدیم دو فقره لایحه انظر فی آقای وزیر مالیه**  
**رئیس** - آقای وزیر مالیه .

**وزیر مالیه ۹** - در یکی از جلسات سابق دو لایحه پیشنهاد کرده به مجلس یکی راجع به خالصجات انتقالی بود و یکی راجع به تنظیف باندول تریاک دجبتی قلم بعد دیدن اولیج دهر دو بطنی نظریاتی پیش آمد و مطالباتی شد و نتقدیری مقضی بود که بمصط داده شود و تکمیل شود لفاظ هر دو لایحه را پند استرداد می‌کند و با آن نظیری که داده شده است نایباً تقدیم بکمک اولیج لایحه تنظیف باندول تریاک را بقید یک فوریت پیشنهاد می‌کند که باز البته می‌رود به کمیسیون و اگر نظرای نایب باشد توضیح می‌شود و کمال می‌شود می‌آید به مجلس ولی لایحه خالصه انتقالی را بقید دو فوریت می‌خواهم تماکتک برای این که هرچه لازم بوده است در خارج مجلس این اندازه که لازم بوده است وقت و صافه و اسلحاست امید کمیسیون هم در مجلس تنخصیص آقایان و کلا بمصل آمد است لفاظاً تماکتک پیش دو فوریت تصویب کنند و ممکن است همین الان اجازه فرمایند که مطرح بشود.

**دشمنی** - آقای فرهمند موقع رأی دادن حاضر نبودند رأی نباید بدهند  
**رئیس** - صحیح است. رعایت می‌کنیم رأی آقای فرهمند را حذف می‌کنیم.  
**(شماره ۱ آراء نیز بعمل آمده شد و هفت ورقه سفید تعداد شد)**  
**رئیس** - در موقع اعلان رأی عده حاضر ۹۳ با کبریت ۶۷ رأی تصویب شد ۱۴

اسامی رأی دهندگان

- آقایان - مؤید احمدی - امیر تبریز - انصر - اورنگ - استخار زاده - قوس - اسمعی - محمد ناصر خان قنصلی - افشار - امیر خلیفان بخیار - حاجت - دکتر افغان - اسکندری - قطنی - طباطبائی و کلاهی - رضا قلیان بستانلی - غواوری - تربت - فرشی - زورعی - بیات ماکو - صفاری - عدل - محمد شنگی - شرفی - حسن علی میرزا دولتشاهی - مسعودی - یاسینی - انصاری - لاریجانی - دافور - محمد علیبیروز دولتشاهی - ساکنیان - مقدم - میرزا صادق خان آکر - محمدستانی - حسین قلیان توپان - دکتر شیخ - قسطنی خان غنایر - ملک زاده آملی - هراز - ووق - شایخ غن - امیر دولتمتک زاده - دوزانی - طهرانی - دکتر حاجی - وهاب زاده - علوی بیرواری - آملی - چینیسی - دولی - موفز - فطینی - دکتر ملک زاده - میرزا محمدعلی بیگلربیگی - سید کاظم زیدی - امیر ابراهیمی - پهنی - حاجی میرزا حسین خان قطنی - میرزا فتح‌الله خان فروزی - نسری - دکتر بنابر طباطبائی دیا - میرزا یاس

**۱۳- تصویب فوریت لایحه تنظیف باندول تریاک**  
**رئیس** - بدوا لایحه باندول تریاک را باید بخوریش رأی بگیریم برود بکمیسیون. فرمائید می‌شود:  
 ساعت محترم مجلس شورای ملی.  
 اولاً - تجربه سه ساله نشان داده است که سنگینی قیمت باندول تریاک مینه دمداد هفت قانون انحصار دولتی تریاک در ایالات و ولایات دارای زراعت تریاک باعث زحمت اهالی و تبویع قاجاق و استنفاد قاجاقیان بود. ایجاد مشکلات در اجرای قانون مزبور نوده و ضمناً موجب نکس عایدات دولت بوده است. بنا براین وزارت مالیه چنین مقضی دیده که موقتاً در قیمت فعلی باندول تریاک ایالات و ولایات حاملین تریاک درمورد مقضی تنظیفی بدهد و همین نظر که اجرای این منظور موجب ازدیاد عایدات دولت خواهد بود مبلغ مته بدهی درجده ملکیتی پیش پنی عایدات انحصار اضافی کرده است. نایباً قانون ۱۳ آبان ۱۳۰۹ بدخصوص سهم کاشتن قاجاق که یوزارت مالیه اجازه داده از قیمت اجناس انحصاری مورد قاجاق و جران آن سدی نبیاه و کاشتنی و مخیرین پرداخته شود مفهوم قانون مزبور شامل تریاک هم شده با آنکه برای تریاک در این خصوص قیلاً هم قانون مخصوصی بوده و در موقعی هم که قانون سیزدهم آبان برای تصویب پیشنهاد شد مقصود این بود که قانون مزبور شامل اجناسی که قانون مخصوصی ندارند بشود و مذاکرات در مجلس هم مشر بر این مقصود بود و از طرف دیگر حق مقرر برای کاشتن اجناس انحصاری و غیر انحصاری که قاجاق میشود فقط منحصرراً به کاشف و مخیر داده می‌شده در صورتیکه مخارج دیگری برای کشف قاجاق از قبیل اعزام مفتشین و مأمورین مخصوص و اقدامات ادارات برای بدست آوردن اجناس قاجاق پیش می‌آید که بواسطه نبودن محل مزبور مخیرین و وزارت مالیه دچار اشکال و بدعین حال مخارج مزبور هم مندرجی است لفاظاً تصویب ماده واحده ذیل را بقاید یک فوریت قنایا می‌نمایند:

ماده واحده - یوزارت مالیه اجازه داده می‌شود در هر یک از ایالات و ولایاتی که دارای زراعت تریاک هستند سلاح باندان موقتاً از قیمت باندول مینه دمداد هفت قانون انحصار دولتی تریاک مسویه بتر ۲۶ ۱۳۰۷ مبلغی که در هشتالذالذو قران تجاوز نماید تنظیف بدهند این تنظیف تأثیری در میزان جزای قدی که کناکون بر قاجاق تریاک و مشتقات آن تلق می‌گردد نخواهد داشت  
 تبصره ۱ - حمل تریاک باندول از ولایاتی که مورد تنظیف واقع شده بولایاتی که مورد تنظیف نبوده باز حیث میزان تنظیف متعلق است متنوع و در صورت کشف در حکم قاجاق خواهد بود.  
 تبصره ۲ - قانون ۱۳ آبان ۱۳۰۹ راجع به حق کاشتن اجناس قاجاق انحصاری شامل قاجاق تریاک که قانون مخصوصی دارد نخواهد بود و وزارت مالیه مجاز است از سهمی که برای کاشتن و مخیرین اجناس انحصاری و غیر انحصاری که مطابق قانون مین و مقرر است نامدی ده آرا جهت مخارج کشف و بدست آوردن جنس قاجاق مطابق نظامنامه وزارتین پردازد.  
 تبصره ۳ - این قانون پس از تهیه نظامنامه مخصوص کمیسیون قوانین مالیه خواهد رسید بوقع اجرا گذاشته می‌شود.  
**رئیس** - فوریت مطرح است (یعنی از نمایندگان - مطالبی نیست) مواظبن با فوریت قیام فرمایند... (عده قیام نمودند)  
**رئیس** - عده برای رأی کافی نبود (در این موقع چند نفر از آقایان نمایندگان وارد مجلس شدند)  
**رئیس** - آقایانی که با فوریت لایحه - موافق هستند قیام فرمایند (عده کثیری قیام نمودند) تصویب شد. لایحه ارجاع می‌شود به کمیسیون مالیه.  
**(۸- شورو و تصویب لایحه خالصجات انتقالی)**  
**رئیس** - لایحه خالصجات انتقالی می‌شود:  
 ساعت محترم مجلس شورای ملی.  
 چون غالب از مشرفین خالصجات انتقالی در پرداخت تفاوت قیمت مالیات خالصگی که بر طبق مقررات ماده ساز قانون خالصجات انتقالی مسویه لیه ۲۰ شد ۱۳۰۹ بپایستی در مدت سه سال (از ۱۳۰۷ الی آخر ۱۳۰۹) پردازدند به سامحه و تحلی می‌گذرانند و نظرباین که در

۱۴- **تقدیم یک فقره لایحه انظر فی آقای وزیر پست و تلگراف**  
**رئیس** - آقای وزیر پست و تلگراف یک کار کوچک دارند. بفرمایند.  
**وزیر پست و تلگراف (آقای میرزا قاسم خان صوف)**  
 لایحه پست راجع به استخدام سفر متخصیص میسبب تقدیم می‌کند.  
**۱۲- استرداد و تقدیم دو فقره لایحه انظر فی آقای وزیر مالیه**  
**رئیس** - آقای وزیر مالیه .

مقابل مساعدتهای فوق العاده که در ادبای نمودن خالصجات مزبور به منصرفین خالصجات انتقالی بمل آمده متعنی نیست مقررات قانون نسبت به متخلفین بدون شرط به وقت عمل واجرا گذارده شود و برای اینکه منصرفین خالصجات انتقالی ملزم به پرداخت تمام اقساط تفاوت خالصکی شده و در صورت تخلف بتوانند از مقررات قانون مزبور استغاده نمایند علاوه بر مواد ذیل باید دو فوریت پیشنهاد و تقاضای تصویب آن می شود.

ماده اول - اما صاحبان خالصجات انتقالی که تا تاریخ اجرای این قانون هیچک از اقساط خرید متال دیوانی مالک تصرفی خود را مطابق اقساط مینه در قانون نپرداخته باشند از تاریخ تصویب قانون ۲۰ اسفند ماه ۱۳۰۶ متال خالصکی مطابق آنچه که سابقا پرداخته می شده است مأخوذ می شود.

ماده دوم - در مورد خالصجات انتقالی که تا تاریخ اجرای این قانون تمام اقساط باز خرید متال ملک پرداخته نشده است نسبت به آن نسبتی از مالک که متال خالصکی آن باز خرید شده و قسط پرداخته معامله ملک ادبای و نسبت به آن قسمتی که قسط پرداخت نشده، معامله خالصکی سابق خواهد شد.

ماده سوم - نسبت به خالصجات انتقالی که تا آخر ۱۳۰۶ عمل باز خرید به عمل نیامده واقساط کلا در پرداخته نشود مزایای قانون ۲۰ اسفند ماه ۱۳۰۶ زائل شده و باز خرید آنها فقط در صورتی ممکن است که تمام قیمت باز خرید یادگرتبه پرداخته شود.

ماده چهارم - وزارت مالیه مأمور اجرای این قانون است.

**ولیس -** فوریت مطرح است. آقای کازرونی مخالفید **کازرونی -** بنده با فوریت موافقم.

**ولیس -** موافقین با فوریت اول قیام فرمایند. (اغلب برخاستند)

**ولیس -** تصویب شد. فوریت ثانیه مطرح است. آقای دشتی **دشتی -** عرض کنم که بنده میخواستم استدعا کنم از آقای وزیر مالیه که موافقت فرمایند که این خالصجات

بک فوریت داشته باشد برای اینکه لایحه مفضل است و بنده لایحه را نخواندم و همه آقایان هم مطالعه نکردند اگر آقایان بفرمایند مطالعه کنند مدتی وقت لازم دارد پس اگر برود به کمیسیون و مطالعه بشود به وقت استیضای اینکه وقت کم است و حالا نزدیک ظهر است و علی الحال جلسه آینده خواهد آمد و تصویب میشود اگر موافقت فرمایند که برود بکمیسیون بهتر است و در جلسه آینده مطرح میشود و تصویب میشود.

**وزیر مالیه -** اگر دلیل نداشتن این قسمت بنده عرضی ندانم ولی اولاً امیدوارم که آقایان لطف فرمایند و این جلسه تمام شود نهایتاً مقصود از رفتن کمیسیون اگر مقصود اینست که ترتیب ظاهریش را به عمل بیاوریم عرض می کنم که این ترتیب در حقیقت به عمل آمده است و حقیقت مطلب این است که این عین همان لایحه است که یکم روز وقت و اعتناء کمیسیون شرح و بسط تمام در قسمت های کرد و اند بعد در مجمع آقایان هم دقتهای لازم به عمل آمده است ولی چون در اینکار عجله داشتیم که موقع نگذرد و عجله هم شده و از اینجهت بود که تقاضای فوریت کردم لاین جلسه تصویب شود این لایحه عین همان خبر کمیسیون است

**ولیس -** آقای قاضی فرمایشی دارید؟

**قاضی -** خبر موافقم.

**ولیس -** آقای مؤید احدی

**مؤید احدی -** بنده خواستم يك تذکری بدمم که حق با آقای دشتی است این لایحه را که بنده قرائت کردم غیر از آن لایحه است که در کمیسیون طرح و تعدیل شده (بعضی از نمایندگان - همان است) غیر آقایان متکرر می شوند این غیر از آنست حاشراً است ببری به بنیت

**ولیس -** آقای وفاق

**وفاق -** خبر بنده میخواستم عرض کنم که عین همان لایحه است فقط يك تبصره که آقای افتخار دیشب پیشنهاد کردند در فرا کمیون و قبول شدن اشافه باید بشود و تمام آقایان هم این لایحه را مطالعه کرده اند و در کمیسیون هم نهایت دقت شده است.

**ولیس -** آقای قاضی.

**قاضی -** بنده خواستم تقاضا کنم از آقای وزیر مالیه برای اینکه در همان وقت شهبه بشود همان لایحه که در کمیسیون اصلاح شده در همان مواد را مطرح کنند در اینجا و بهمان رای داده شود در هر صورت تفاوتی ندارد و بنده هم خیال میکنم که يك تفاوتی دارد برای اینکه بنده هم خیال می کنم آخر آن لایحه سه ماه مهلت داشت و در لایحه ذریک افتاده است.

**وزیر مالیه -** بنده قبول دارم که عین همان خبر کمیسیون باشد چون ارتقاء صریح این لایحه ماشین نویسی شده است اگر چیزی افتاده باشد دوباره اضافه می کنیم و تقدیم میکنم بنده اداه از روی همین خبر ماشین نویسی است حالا شاید چیزی سقط شده باشد بنده خواهش میکنم که همان خبر کمیسیون را مطرح فرمایند بعنوان لایحه ذریک (صحیح است)

**ولیس -** این جا بگذردی که بر بنده دشوار میشود برای اینکه لایحه سابق را که از او ایراتر کمیسیون تولید شده بود استرداد کردند و يك لایحه جدیدی را دادند بنده بنده شق صحیحش این است که لایحه را طرح کنیم آقایان مراقبت میکنند اگر چیزی تفاوتی بالا می کمیسیون وارد اصلاح میکنند. موافقین با تقویت نسائی قیام فرمایند.

(اكثر قیام نمودند)

**ولیس -** تصویب شد. - مذاکرات در کليات است. آقای ولیس.

**ولیس -** خاطر آقایان مستحضر است که لایحه باز خرید متال خالصجات انتقالی را بنده متبکر بود و پیشنهاد کردم و يك تغییراتی در آن لایحه داده شد در مجلس خالصجات خوشوقانه به اندازه سه سال دولت بر میگردد بهمان چیزی که بنده پیشنهاد کردم و آرتق قبول و موافقت کردند زیرا پیشنهاد بنده این بود که اقساط متال دیوانی باز خرید را همین کند و بیه قسط بگیرد و هر قسطی را که گرفتند بنسبت همان قسط يك نالت از متال خالصکی کسر شود.

مثال ما کس شده است عایدات ما کسر شده است اما تکلیف طرف چه چیز است تا آخر ۳۱۹، ۳۱۸ میزری نسیبند و میگویند معلوم نشده پس تو مثال خالصگی را بده تا هر وقت من مین کم شاید وزارت مالیه یار نسیب داده باشد که روزی من کس کند البته در کم مرفاقت میکند تا یکس هم میکند ولی دولت ایالتان نمی کند و یک اختلافاتی پیش میاید که اسباب زحمت مردم میشود الا آن شاید خود آقای وزیر مالیه بهتر بداند که چندین مورد را بنده نشان داده ام که یکجا محصول ملک را توقیف کرده اند و فقط را پرداخته اند و یکجا در مرکز پرداخته اند و هر چه صاحب ملک دودنگ می کند و میگوید آقا دوجاز من گرفتاید یکی را حساب کنید می گویند موقوفه برسد گی است. رسیده دارد هم از جاز و هم از مالیه محل ولی میگویند تا

مثال خالصگی پردازم برای اینکه وزارت مالیه نتواند است یا توانسته است ترتیب فسط باز خریدار مین کند این در دین قانون بست دسایر قسمت های این قانون البته خیلی خوب است و تأکید می شود که قانون را خوب بفرموی اجرا گذارند و حقیقتاً عنوان خالصان انتقالی را بردارند تا مالیات ارشی تمام جبروت واحد در آید. اما اگر وزارت مالیه تکلیف مالکین را معلوم نکرده باید بشود هر فرد باید تقاضا کند و اسرار کند که باید مالیات ملک را مین کنید تا پردازم می وزارت مالیه می گوید میر کن و مالیات خالصگی بده این نمی شود. پس اگر این قسمت باید چاره برایش بیاید و اصلاح فرمایید دیگر قس در دین قانون نیست و بنده بینم که تا آخر ۳۲۰ تمام خالصجات انتقالی جبروت ایاری در ماید.

**وزیر مالیه** - يك مطلب خارج از این موضوع فرمودند که باید اول جواب آرزو عرض کنم. فرمودند در بعضی جاها میروند مالیات را از مردم میگیرند و دو دفعه از آنها مطالبه می شود جرایش بطول دارد. این را بنده در نسیبکم زیرا در جریان امر ممکن است بطول باشد و در جرایمات ممکن است اختلافات و این طور قضایا پیش یاید البته باید سعی کرد که جرایم سربز شود ولی خود آقایان می دانند و آقای فریبی ملاحظه فرمودند که مادر بودجه مملکتی برخلاف بعضی از زنیات قدیم مخصوصاً قانونی گذاشته اند برای سرزد وجوه مأخوذه موقه پنی وجوهی که مأخوذه شد ولی قانونی نشده است. و بنده کمتر روزی است که دو ناسا ازین دو برایت امرامه نکم که بولی گرفته اند بنظر قانون و دیاری رد وجوهی که اخذ شده و اشتباه شد. اگر از این موارد باطلاتان برسدند مرا مستحضر فرمایید و بنده سعی و تأکید میکنم که جریان را سریع کنم و دوباره مبدع و مطمئن باشید که تا باکند ممکن است بولی غیر قانون گرفت شود و وسرزد شود. منتها اگر میفرمایند کدسات البته در موافقی که مطلع می شویس پیش پنی میکنم که تندر باشد. اما در باب ایرادی که باسل لایحه فرمودید بنده

عرض کردم خیلی متفقد باین لایحه هستم و مخصوصاً آقایان نظرها و ملاحظاتی که داشتند از هر طرف کرده اند و تکلیف شده و کمان نسیبکم هیچ قسم جزئی می پائی مانم. و اگر درست ملاحظه میفرمودید این شبهه و ایراد من مرتفع می شد. برای اینکه اولاً حالا دولت بوجوب قانون اخیر می که متمم آرزو می باشد مجلس آورده نام ملک را بدون استثناء میزری میکند و مطابق اینجاری که دارم مرفاقت زیادی در دین کار میشود بقدی عسوسی است الا این نظر باره دادن که امیدوارم باستانی موارد باندی که نشود گفت هیچک استثناء در مملکت نداشت اگر کثرت عقلم ملک میزری شود. بلکه قریب باقیست میزری میشود. ولی خود بخود میزری آری که خالی است که از روی دقت میشود و قطعی و کافی است که می شود. و این هم منطاب می شود برای هر کس که ملکش میزری شده دوباره دولت برای املاکی که میزری شده اظهارنامه و اینها بر ترتیب سابق خواهد فرستاد و لازم نخواهد بود. اگر کار گذشته کسی ملکش میزری می بود و اقساط باز خریدش را نداده بود و مامور دولت رفه بود و محصول را توقیف کرده بود این را بوجوب فراید و قوانین دست کرده زیرا آن اقساط باز خریدی او بود و قانون هم مینمیکند که باید به قس قسط بدهد دولت هم تکلیفش را مین کرد پس اگر تأخیر اداعت و مامور مالیه توقیف کرد کار بقیاعده نکرده در سوبنگه در اکثر موارد هم این کار نشده ارفاقی شده و اگر بدهنده باز ارفاقی شده دلیل قاطع هم نیست که الا آن خف خالصجات انتقالی وجه باز خریدش نایه شده است در مد پنجاه این طور است و منظور دولت این است که البته سخت گیری در دین کار نشود ولی اگر مجری شده بود و مامور مالیه رفه محصول را توقیف کرد کار بقیاعده نکرده است. در دین صورت این هم از آن مواردی است که اگر باطلاتان رسند بفرمایند تا بنده بگویم می گفته است و محصولی که توقیف شده باید برگردد و از توفیق خارج شود. اما در دین مورد بنده در کمیسیون هم خدمت آقایان عرض کردم این جا هم عرض میکنم در قانون ۱۳۱۹ مین شده بود که تا دوسال دولت باید میزری

را بکند یعنی تا تاهای دوسال دولت حق دار دین پیش این نبوده که ماه اول میزری کند پناه پنجم. در ارفاق بست و سه ماه میزری می تواند میزری کند پس دوسال یعنی در ظرف دوسال و یک ماه کمتر میزری دارد میزری بکشد و اعتراض باو وارد نیست. هر چه از میزری کرده کرده هر چه را نکرده البته قصوری وارد است که دولت چرا میزری نکرده است. دوسال از آن تاریخ میگذرد یعنی از تاریخ آندوسال دوسال هم میگذرد که دولت تأخیر کرده و باید به تاساب این یک ارفاقی می شد. و یک دوسال دیگر باین قسم املاک مهلت داده شده. اینک میفرمایند جریمه داده اند حتی اگر ملاحظه فرموده باشید در قانون خالصجات انتقالی با وجود اینکه از آن ارفاقی شده مطابق قانون فقط دینی داشته بدولت که این را در صورت میزری شدن به سه قسط بدهند و در صورتیکه نداده اند و تأخیر هم انداخته اند هیچ جریمه منظور نشده بود امروز اگر الا آن هم این قانون را نیاورده بودیم تا پنج سال دیگر هم همینطور بود اما آقایان البته در نافع مملکت بیشتر مرفاقت دارد و نظر دارید آیا اصلاح است که وزارت مالیه علاوه بر همین کارهایی که گذارد یک دفتر مخصوص هم داشته باشد برای اینکه مرفاقت باشد این چیزی که فروخته است کی دو نواشتن را بدهد. یکی یک نواشتن را بدهد. این کارها باید تصفیه شود و تمام شود. بنده کم عرض کردم اغلب آقایان ملاحظه فرمودند و بنده در دین کار کرده و اگر چیزی هم فرو گذار شده بود خود آقایان فرمودند و بنده هم قبول کردم و کمان میکنم یک لایحه کمالی است که به هیئت است که آنهایی است که مخالف انتقالی دارند و برای قس آنها است که هر چه زودتر این را بدهند و ملکشان می غل و غش و خالص در دستشان بماند و خیز وزارت مالیه هم است که هم پولش و وصول شود و هم کارش خفیه شود که این یکی هم جزو گذشته شود

بسی - آئی کاروری



کارروایی - عرض میکنم بنده اعتراف میکنم قانونی که از روی عمل و انصاف تدوین شده همین قانون است البتاهم با کمال میل خوب بگنیم لکن استعجاب میکنم آقای وزیر محترم نوبهی فرمایند البته بالاخره ماهه تفاوت در صورتی ممکن است که مالک معززی شده باشد ....

ولیس - آقا در کفایت مذاکرات بفرمایند کارروایی - خیلی خوب آخرش برسد (خنده نمایندگان)

عرض میکنم چون اینجا فرمودند وزیر محترم صکه معززی بالطبع میشود بسیار خوب اگر اتفاقاً یک چائی تصور از طرف مأمورین دولت شد تکلیف شخص مالک چیست از این جهت بنده مخالف بودم با کفایت مذاکرات که در این باب مذاکرات بیشتری شود و توضیحات بیشتری بدهند که معلوم باشد و بنده هم قانع شوم ولیس - آقایانکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند (اگر قیام نمودند)

ولیس - تصویب شد. رأی گرفته میشود بمرور در شور. مواد آقایانی که موافقت قیام نمایند (اکثر برخاستند)

ولیس - تصویب شد آقای وثوق سید مرتضی خان وثوق - بنده یک پیشنهادی کردم که بجای لایحه دولت راپورت کمیسیون مطرح شود.

ولیس - بیادمان نظر آقایان چیست قرائت میکنند (بشرح ذیل قرائت شد)

مقام عالی ریاست مجلس مقدس دامت عظمته بنده عین راپورت کمیسیون قوانین مالیه را بجای لایحه دولت پیشنهاد میکنم.

اعتبار - نمیشود.

سید مرتضی خان وثوق - عرض کنم مطابق توضیحی که اینجا داده شده راپورت مطابق همان است که در کمیسیون قوانین مالیه بشورب رسیده است نهایت با یک نمره پیشنهادی آقای افتخار اگر بنا باشد ماده بماده لایحه دولت را قرائت بفرمایند راپورت طول میکشد وقت گذشته بپولسه بعد می افتد چون آقای وزیر مالیه اصرار دارند

مالیه در این مورد چه نظری گرفته اند و توضیح بدهند عرض میکنم خالصجات و مخصوصاً خالصجات انتقالی چند موضوع دارد در وزارت مالیه که در قانون هم بعضی از آنها پیش بینی شده است خالصجات املاکی است که دولت مالک آن است حالا بچه عناوین بیان فرمایند که در وزارت مالیه هست و در کتابهای قبقات دولتی اساس آنها ثبت شده این لغت خالصجات انتقالی یک لغتی است که تازه احداث شده است در دفتر سابق مالیه باین اسم چیزی نیست و این املاک بر چند قسم است. یک قسم املاکی است که دولت قبل از هزار و سیصد و قمری بخاص انتقال داده فروخته است یا بخرشیده است.

بعضی از آنها خصل کم است. نادر است. یک قسم املاکی است که از هزار و سیصد قمری بانضمام دولت روی یک قاعده که در نظر گرفته این املاک را انتقال دادند بانضمام این جزو جمع معینی که در هر سال باید این مقدار جنس و این مقدار پول بدهند بعد از آن در ۱۳۲۴ که در رژیم تغییر کرد یک رالی مجلس داد که عین آن جنس خالصه که در قوانین اسم برده شده مالکین بپردازند. مجلس هم

این بود که قبل از ۱۳۲۴ شخصی که برشان منتقل شده بود فرامیوشی صادر کرده بودند و جنس را تسویه کرده اند به قیمت نازل. مجلس رأی داد که عین آن جنس باشد. و این در بعضی جاها عملی نشده و بین وزارت مالیه و متصرفین املاک دعوی در گرفت که هزار جور اقدام در وزارت مالیه راجع بآنها شد و حقیقتاً قانونی که مجلس گذراند یک قانونی بود که این اختلافات را رفع کرد وقانون خوبی بود هم از نقطه نظر ارفاقی بمالکین املاکی و بایجاد خالصه و هم آبادی مملکت. حقیقتاً این

املاک رو بایجاد خالصه گذشت و بعد از این افتاده امیدواریم بجز شود. لکن یکی در موضوع را در نظر داشتیم تذکر بدیم. چون اینجا پیش بینی نشده و آن این است که در قانون خالصجات انتقالی تصریح شده یعنی تعریف شده است برای خالصجات انتقالی که: خالصه انتقالی املاکی است که از هزار و سیصد قمری بانضمام بانشخاص انتقال

داده شده و با اگر چنانچه پیش از هزار و سیصد هم هست براین یعنی دولت و متصرف متفقند باینکه خالصه است. اینهم دستور این قانون است و آنها بیکه متفقند بنسبتد یک املاکی در رقیه استمر هست و قبل از ۱۳۰۰ که در دست انشخاص بوده و متصرف بودم آمد و امروز هم قائل به خالصگی نیستند. چه کردیم. بصره بود و آمده و راه حل پیدا کرده که حکایت باشد اگر اختلاف شد به حکایت حل می شود دعوی ندارد. یک قسم املاکی است که آرا بنده بگنویم حالا آهه. هم حکایت مربوط لکن بنده نظرم این است آهائی که تا اینجا لغت حکایت نیامده یعنی دولت میگوید این خالصه است و مالک می گوید خالصه نیست و هنوز قریب حکایت هم نکرده بنده تکلیف آن ها چیست (فناهی - معنی کرده است) این یکی. موضوع دوم املاکی است که مخصوصاً در قسمت استرآباد آقای هزار جریبی دیشب کاغذ هائی ارائه دادند و در قسمت مازندران که در کتاب رقبات دولتی هم هست شصت سال هفتاد سال هشتاد سال است که بتصرف انشخاص است لکن و زارت مالیه آنها را خالصه می داند کاهی هم یک مکاتبه باها بیکه هر وقت دعوی متصرفین میگوید چون در کتاب رقبات است من مالک را تصرف میکنم لکن معززی رأی ساعت ندادم تکلیف این ها چیست این ها مالک آنهاست و دولت حتمی ندارد باشد دولت این قانون میشود با اصلاح آرا خالصه نمیداند که بخرد و اسحق در کتاب رقیه وزارت مالیه است و در این جا وضع این اختلاف ندهد و این دعوی باز در وزارت مالیه هست باینکه نظر آقای وزیر مالیه این است که این دعوی را کوتاه کنند و عرض از این قانون این است که اختلافات که بین متصرفین املاک و دولت است مرتفع شود لکن این اسباب زحمت برای متصرفین املاک است که الان مالیه آن ها را خالصه میداند و مالکین آرا مالک خودشان می داند معززی هم نداده است و تکلیفشان هم معلوم نیست خوب است یک تکلیفی برای آنها معلوم شود که فردا یک اختلاف پیدا نشود. این بر د نظر بنده

که در این جلسه بگذرد (پس برای پیشرفت کار) ایراد که بنده پیشنهاد کردم عین راپورت کمیسیون بجای دولت مطرح شود و بالاخره باید همین رأی بدیم و یک دهنه هم این مواد قرائت شود و معلول نشوم کلامی - چه فرقی میکند؟ ولیس - آقای اعتبار شما نظر مخالف دارید اعتبار - بنده نظر به اشکال دارم ولیس - چه اشکالی دارد؟ وزیر مالیه - اگر اشکال ندارد بنده موافقم. ولیس - شما چرا کمان میکنید اشکال دارد؟ اعتبار - بنده تصور میکنم توجه بان خبر دادن ادرار مورد ندارد (راپورت کمیسیون قوانین مالیه) مطابق موافق لایحه که پس میگردد آن لایحه و ضمانت و تمام آفرین بکفایت میروید یک جور خود لایحه چیزی نیست که پیشنهاد شده همان لایحه دولت مطرح باشد منتهی هر جا کفایت دارد همان را پیشنهاد کنند اصلاح شود. ولیس - بنده بنده عینی ندارم. دلایل هم اینست وقتی که دولت یک لایحه را قبول میکند بیجای لایحه خودی آورد آن لایحه متغلب میشود به لایحه دولت (صحیح است) ماده اول از خبر که لایحه دولت شده است قرائت میشود. ۱ - از صاحبان خالصجات انتقالی که تا تاریخ اجرای این قانون هیچیک از اقساط باز خرید متذلل دولتی ملک متصرفی خود را مطابق اقساط معینه در قانون نپرداخته باشند از تاریخ تصویب قانون ۲۰ اسفند ماه ۱۳۰۶ سال خالصگی مطابق آنچه صکه در ماده ۳ قانون مقرر شده مأخوذ میشود. ولیس - آقای مؤید احمدی. فقهی - اجازه می فرمایند. اختصار دارم. رأی بمرور در شور مورد حذف شد جمعی از نمایندگان - گرفته شد شاید قشری بدانند مؤید احمدی - بنده یک تذکر و یک موضوعی بنظر آمد که لازم دانستم اینجا بمرس مبرسام و به بینم وزیران



**وزیر مالیه** - بنده اول عرض کردم بناظر بنده تمام ابلحاضی که لازم و ممکن بود در این قانون شده حالا يك مبالغه می هست که در جای خود صحیح است و باید يك وقتی حل شود این قانون اساسی خالصتاً انتفاعی را که تغییر نمیدهد تمام اشکالات بجای خودش هست. الا اینکه اوقفت گفته بودند به قسط بخريد حالا می گویند اگر در آخر سال بخريد چه باز هم می تواند بخريد (صحیح است) آدمی سر میزبان آنکه میزبان شده بود باید بخرد همان قیمت. آنکه شده بود در تصرف دولت می رود که اختلاف داشت به حکمت می رود که در حکمت قطع می شود حالا يك مالکی هست که دعوی دارد یعنی ملکیت آن موضوع ادعا است مدعی است با دولت اعتراض دارد یا دولت بر او اعتراض دارد اگر دست او است و دولت دعوی دارد باز به موجب قانون و مقررات قانون خالصه انتقالی باید حل شود هر وقت حل شود می رود میخورد دوباره. اگر دست دولت است و او اعتراض دارد باید اعتراض کند همه آن به موجب قانون خالصتاً انتفاعی میشود ما این قانون را برای تغییر اساسی آن کار بناورد این فقط برای اینست که باز حقوق موقوف مانند فقط راجع به مسأله باز خرید است البته بان کار خیلی وارد نمیآورد اشکال اگر داشته باشد حل میشود و اشکال تازه هم تولید نمیکند و آن باید به موجب قانون دیگری حل شود جمیع از نمایندگان - صحیح است. مذاکرات این است

**رئیس** - شورای میگیرم بماده اول. آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثر فرخواستند)

**رئیس** - تصویب شد. ماده دوم قرائت میشود

ماده ۲ - در مورد خالصتاً انتفاعی که تا تاریخ اجرائی این قانون تمام اقباط باز خرید مثال ملک برداشته نشده است نسبت بان قسمتی از ملک که مثال خالصگی آن باز خرید و قسط برداشته شده مالیات ملک ارباب و نسبت بان

قسمتی که قسط برداشته نشده مثال خالصه انتقالی مطابق ماده ۳ قانون ۲۰ استفاده ماه ۱۳۰۶ مأخوذ خواهد شد

**رئیس** - آقای فیهی

**فیهی** - عرض ندارم.

**رئیس** - آقای افشار

**وزیر احتیاجات**

بناظر بنده یعنی این طور بناظر می رسد که بین این قانون و ماده ۳ يك تناقض هستی به موجب ماده ۳ صاحبان خالصتاً انتفاعی می توانند تا آخر ۱۳۰۶ مثال خالصگی خود را برداشته و مالک خودشان را اربابی کنند در صورتیکه از ماده يك و دو این قانون چنان بناظر می رسد که اگر تا اول تیرماه مثال باز خرید کلاً برداختن این قسمتی از ملک کسالت آن باز خرید نشده بر میگردد به حال خالصگی. در صورتی که بناظر بنده امثال منظور مجلس این بود است که در این قبیل املاک مالیات خالصگی بگیرد تا اینکه تا آخر سال مثال باز خرید را برداخت کنند ولی چون فیزی روشن نیست و بناظر متناقض می آید بناظر من نیز این است تا اواخر ماهی توضیحات بدهند تا در عدل دچار اشکال نشود.

**وزیر مالیه** - این هیچ جور تناقض ندارد این که میفرمایند بر میگردد به خالصگی چه وقت بر نمیگردد به خالصگی اگر اصلاً هم نداد باز همچون بر نمیگردد به خالصگی هر وقت توانست میآورد میدهد این مطلب ماده اولی راجع بگفته است. ماده سوم راجع به آینده است در آینده می گویم اگر تا آخر سال نداد باید يك جا بدهد ولی اگر در گذشته کسی نداده باو البته مالک مثال می شود تا راورد بدهد هر وقت داد تمام می شود.

**رئیس** - موافقت بنده تمام فرماید.

(اکثر قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد. ماده سوم

ماده ۳ - نسبت به خالصتاً انتفاعی که تا آخر سال ۱۳۰۶ مامله باز خرید بدل نیامده و اقباط کلاً برداشته نود مزایای قانون ۲۰ استفاده ماه ۱۳۰۶ از حیث برداشت اقباط زایل شده و باز خرید آنها فقط در صورتی ممکن است که

تمام قیمت باز خرید بگیرند پرداخته شود مگر در مورد خالصتاً انتفاعی که تا اول دیماه ۱۳۰۹ از طرف دولت در دست می آید آنها اقدام نشده است و الا مالکی که خالصه انتقالی بودن آنها بین دولت و افراد متنازعیه بوده و مدارک اعتراضی برخلافی تا آخر سال ۱۳۰۹ بوزارت مالیه داده شده و منتظر رسیدگی است صاحبان املاک مزبور در حدود اول بهمن ماه تعیین مالیات اربابی آنها مطابق قانون ۱۳ آبان ۱۳۰۹ در حدود ۱۰ پیس از قبیل دعوی و صدور حکم برخالصگی می توانند تا آخر سال ۱۳۱۱ قیمت باز خرید را در دو قسط متساوی سالیانه بردارند ولی مملکت مقررات ماده اول و دوم این قانون دوباره در مجلس خواهد شد.

**وزیر مالیه**

عرض کنم بنده این جا دو نظر داشتم که بجوابتم تذکریدم که در این ماده ۳ اصلاح شود یکی اینکه در آن قسمتی که اگر مابین دولت و صاحب ملکی اختلاف شد قسمته تا آخر ۱۳۰۹ مدارک خودش را تسلیم و تحویل کرده (در صورتیکه تحویل کرده باشد) آدمی بکلیتاً اختلافی هست بین مالک و وزارت مالیه که مدارک خودش را تا آخر ۳۰۹ تسلیم نکرده این تذکره که این جا بنده بناظر بنده باید حذف کرد باین که اختیاری داده که تا آخر ۱۳۱۱ هم مدت قابل شوم که مدارک راسخ داشته باشد تحویل دهد. نباید قابل باشد که مالک اعتراض مالیه را تصدیق ندارد و منتقم هم نشده که مدارک تحویل کند خواستم باین در این خصوص نظرشان چیست. قدری ابهام دارد. آدمی در وقت املاکی که اختلاف مابین صاحبان آنها و وزارت مالیه هست تا آخر ۱۳۱۱ می تواند اقباطشان را بردارند در صورتیکه اختلافشان را دفع کرده باشند مدارک وزارت مالیه می تواند بخواهد دارد حالا ناینکه محاکمات و وزارت مالیه این طور است بلکه باینه تفسیری که در عدلیه مامده باینک بدونی در محاکمات (کلالی - بحکمت می رود) اجازه نبراهم اگر آدمی فرض کنید اختلافی هست بین وزارت مالیه و صاحب ملک این اختلاف تا آخر هر از دو سید و باینه دفع نند اواخر هر از دو سید و باینه دفع نند

اوقت از این بیتی که ارتاق کرده اند اربابان اقباطه کند اقباط باز خریدارند. این شخص که ملکین مورد اختلاف واقع شده فرض کنیم باینه ما بخرسارل هزارو سید و باینه مانده اختلافش مرفوع شد این یک جا باید بدهد و دوباره این ارفاقی نشده. اغلب عاقلی که مورد اختلاف شده و در وزارت مالیه هست آنها هر کدامشان تا یکسال دیگر اختلافشان حل نمی شود. وزارت مالیه باید بابت رسیدگی کند و رسیدگی بابت هم مستلزم يك وقت وسیعی است. عقیده بنده این است که باید قابل شوم آجاباتی که اختلاف هست پس از دفع اختلاف پس از دو سال بردارد بشی از مدتی که اختلاف دفع شد دو سال حساب شود که در واقع آنها هم از آن ارفاقی استفاده کرده باشند. از روزی که اختلاف دفع شد در طرف دو سال به دو قسط جدا شده باشد تا باینه و استفاده کند حکومت مهلت وزارت مالیه است. برای اینکه ما وقتی شریرا ابلحاضی را تا آخر هر از دو سید و باینه قابل شوم ممکن است محاکمات مالیه باینه ظرایف خصوصی در کار قابل شوند و همینطور امروز فردا کند و باینه ما بخرسارل ۱۳۱۱ ماده دفع اختلاف کنند باینه باید یک جا بخرسارل و آن کسی که مشمول این قسمت می شود نمی تواند از ارفاق استفاده کند. این هم دفع بنده بود يك جمله دیگری هم می خواستم به آقای وزیر مالیه عرض کنم. آنیکه تذکره می بود برای اینکه در موقوف دیگر تصدیق نداده باینه حالا عرض می کنم. اختصاصی که اقباطشان را بکجا تماماً برداشته اند آنها را باید بناظر بگیرد که يك سدی بهشان بدهد خیال می کنم اغلب آقایان هم باین نظر موافق باشند زیرا اغلب اقباطشان را هم به قسط مساوی تا آخر ۳۰۹ برداشته اند رسید به آنها نداده اند هر چه باینه ما مراجعه میکند مالیه عامه می تصدیقند زیرا دستور از وزارتخانه برای آنها رسیده است. این کار را باید حضرت عالی بکنود قیام جواب ندهد بگیرد که هر کس مالیات خالصگیش را برداشته باینه بیزی باو بدهند که در واقع سدی برای او شده باشد که اقباطشان را برداشته.

**وزیر مالیه** - این مطلب آخری که فرمودند ماسی ندارد

ولی حالا يك موردی هم مورد اختلاف شد ممكن هم هست بطور عمومی بگوئیم يك توفئه بدهند و اهمیت بپذیرد اما دیالوگ خدمت آقایان عرض کردم در مثالی اینک که هر کس که تا آخراصل نمانده باشد بکنام ازاول سال گذشته داد باشد از این کسی حکمت دارد دعوی وارد بدهد اما خوب اگر مانم این استنادا را بگذاریم که خیلی مبطل می شود اول قانون که مجلس آورده شده منی بر این بوده است که هر کس که بجهال نمانده است چنانچه می شده است چندند است به از این باید يك جا بدهند آقایان فرمودند وثوق و ترغیب کردند که اگر مبنی از اول دولت نشده و قبضه از اول بوده چطور؟ گفتیم خیلی خوب این هم بکمال اذفاق شود فرمودند که اختلافی بوده و رجوع بحکمت و اینها شده خوب همه وقت هر کس می تواند مدعی شود خود آقایان فرمودند که اگر در آخراصل نمانده باشد پاسنی بکنند بر پرداخته شود ولی حالا چونکه مطلب زیاد است شایسته مطلب زیاد می شود یعنی اگر گفته می شد که آنهایی که نمانده اند بواسطه اختلاف خالص می شود و بعد از آن دیگر سابق باز خرید ندارد این البته يك مطلب سنگینی بود تمام تفرقی سابق نوشته شود ولی عیب اینجاست که آنهایی که قبضه نمانده اند هم يك قطعه برداشته اند و اینکه بر نمانده اند تمام اینها جوش اذفاق شود اجازه داده شود و باید بر پرداخته تا موقع اجرای این قانون به از موقع اجرای این قانون هم باید تا آخر سال اقباط داده باشد به از آخراصل بازم يك جا باید برداخته شود دو مورد هم باز استثنا شده است که آنجا باز با قبساط می بردانند تا آخراصل ایندیولی اگر این را اینجای فرار دوم خوب يك مورد دیگر را پیش منی نکرده ام و به از این ممکن است اختلاف پیش پاید او آمد ادعا کرد ادر هم باید پیش منی بگیم عرض کردم آن حکم عمومی خالصجات انتقالی که قبضه نمانده است اگر دوباره باشد باید و بردانند بر اینا زحمت است این است که گفتیم يك جا بردانند و این را اگر اینچنین بگذاریم دهان ما همیشه باز میماند این منظره ای که در خاطر هست حاصل نمی شود.

ولس - آقای یاسانی

یاسانی - بنده همانطور که نظر خود آقای وزیرعلیهت در خارج هم فرمودند مقدمه که باید حتی البعده (بنده تنها در قسمت وزارت مالیه بقیه ندارم در کلیه موارد بقیه دارم) که باید سی کرد و اهتمام کرد که آن موارد اختلافی و مسائل دولت و مردم کمتر شود ازین برود و هر چه کمتر شود بهتر است کلادوری ماورین دولت و مردم بنظر بنده هیچ بصلاح دولت نیست باید از این تاریخ بعد دولت سعی کند که هر قدر که ممکن است موارد اختلاف و مناظره و متاجر را کم کند حال آنکه عجله دارد و وزارت مالیه در اینک این ناخفته و اختلافات مربوط بخالصجات انتقالی بکلی از این برود در ظرف يك مدت محدودی بدهد هم کلیه مواضع و آقایان مهناغب اظهار مواقت میکنند این بود که این لایحه منم قانون سابق يك طوری تنظیم می شد که بکنر نایب چند روز دیگر محتاج لایحه دیگری شوم این کار از چیز های که بنده خواست نکرده ام و اتفاقاً آقای ملک مدنی فرمودند مسئله دادن سندات به آن کسایتکه بولند بدهند بنده عقیدم این است که باید يك سند مخصوص وزارت مالیه چاپ بکند پاسنی شخصی وزیر مالیه بدهد باشخصیکه بولند امانت بیاوردن مقاصد و چیز های دیگر بکلورقه را بردانند و ترتیب منعی بدهند در دست مالکین مثل قبضه ای که مردم در نقل و انتقالات میدهند بعد دیگر منعی این قسمت واجب بخالصجات انتقالی را برای اطمینان خاطر مردم و برای اینکه فردا در دولتان ترسانان دچار اشکالات نشود بآخراصل برای راضی مردم این اسناد و وزارت مالیه بهترین سندات است که جناب خالصکی انتقالی بیرون آمدادات و راحت هستند منوع دیگری که میخواستم عرض کنم که برای کلیه املاجات اولی که مرور زمان بود از اول مشروطه که نبود بهم بگذرد بنده خوب خاطر هم هست دوره پنجم بود امروز واجب برودر زمان يك حرفهای زنده دولت قانون آوردند تا اینکه آقای وزیر عدلیه موفق شدند (بقیعه بنده) از خدمتشان این است که موفق شدند قانون مرور زمان را زمجلس گذرانند قانون مرور زمان هم در

نست ثابت يك قسمت مربوط باموال غیر منقول بود اولاً گذشت و بعد این اواخر يك لایحه هم راجع بدعوی متقوله آورده اند در قسمت اختلافات دولت با مردم و برعکس در قسمت خالصجات انتقالی و بقیه قانون گذشت خاطر هم است گفته اند همان طوری که در قانون خالصجات انتقالی گفته شده همانطور باشد در اجابگ منتهای منی شده است ولی بنده خیال میکنم اگر در اینجا آقای وزیر مالیه مواقت میکنند و بکدامه اتفاق می شد که مردم دولت دروا را بدهند میکنند که نماند منعی هر کدام اختلافی دارند در مورد املاک خالصه انتقالی و او در روی کاغذ و دوسه یا الاخره هر وقت تمام شد بشود ولی دعوی را اتمام بکنند که بعد از مثلا یکسال (بقیعه بنده) یکسال کافی است) به از یکسال هیچ دعوی از مردم نیست وزارت مالیه و همینطور از وزارت مالیه نسبت با املاک مردم پذیرفته نشود کدامی کم که هم بمنتقم دولت است و هم قطع وزارت مالیه راوی اینطور که هست بالاخره محبت اختلاف مالیه راجع بخالصجات انتقالی باین ذودها تمام نمیشود چرا برای اینکه مدد کثان بود است در قضا هر روز که بخواهند مراجعه میکنند يك مرتبه يك موادی را استخراج میکنند و در میدهند بمالیه و لایات بعد از این هم هر قوی خواست باز استخراج میکنند و تازه اقامه دعوی میکنند بر علیه يك کسی که این ملك خالصه است خالصه انتقالی است و سابق دارد. بنده عقیدم این است که اگر وزارت مالیه موفق شود در ظرف ششماه یکسال آنچه که حرفه دارد چه در حق وزارت مالیه حرفه دارد نسبت بمانند در طرف ششماه یکسال بگوید و تمام شود گفتگوها و همین طور مردم هم متکلف باشند هر گونه مدارک دارند بدهند بیکسال بدهند و این دعوی و اختلافات يك جوری بطریق حکمت باجور دیگر حل می شود ولی اینکه این قسمت سکوت غه بماند هم بیدل مردم و همین وزارت مالیه و همیشه این اختلافات باشد بوقی قسمت زدی از اوقات محاسبات مالیه باجور حکمت تلف شود و صرف این کار شود بقیعه بنده بمعصمت دولت است بمعصمت مالکین (صحیح است)

ولتر مالیه - بیانی که آقای یاسانی فرموده و موضوع منی و مخصوص بالخصوصی است که در واقع میخواهند قانون را تکمیل بفرمایند یعنی يك ماب دیگر باینجا بکنند دیگر هم که مربوط بخالصه انتقالی است آن هم حل شود ولی این مسئله چون محتاج به مطالعه است و بنده یقین ندارم که خبر عشاء باشد شاید بخیرشان باشد و شاید هم نباشد ولی در هر حال باید عرض کنم اختلافاتی که نسبت بخالصه انتقالی پیدا میکنند با هیچ کس تا باینجا دعوت است اولاً مسئله اینکه مالک خالصه است این لایتنهای است اگر بهایت رسیده همیشه مثل این است که يك دربی باز است برای ادفا مالیه می گوید مال دولت است او می گوید مال دولت نیست مالک من است خالصه انتقالی نسبت ادا برای خالصه انتقالی بودن اینهمه و اوله که همه دانستند که می شود خالصه اشقالی را بقیمت بازاره مقبول بخودشان و اگر کار کنند هیچ نباید اظهار بکنند و دولت هم اظهار نکند در صورتیکه دولت در تمام لایات این را اظهار کرد و ابلاغ کرد بهمالکین و اینها عرض بکنیم که این بیج بیبودولی ندارد است و اگر همه چیز نادری هم باشد عجلانیا ضرر زیادی متوجه نمیشود که این در باز بماند تا یکسال دو سال باز خرید کنند ولی بعدها اگر لازم شد که باید برای دعوی غیر منقول دولت و افراد هم يك مرور زمانی قابل شد آهمن ممکن است در ضمن قوانین بعلیه باید و مجلس و اسناد از طرف دیگر آقایان میخواهند که این مسئله نسبت اتمام اعتراضات خوبه را بدهند بکنند و ضرور میشوند يك طرفی بکنند لهذا عجلانیا خواهش بکنم از این مسئله باز خرید ادا را حجت بفرمایند. چمی از نمایندگان - کافی است. ولس - پیشنهاد هافرات می شود. پیشنهاد آقای قیومی بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۳ بجای پس از قطع دعوی الی آخر نوشته شود از تاریخ قطع دعوی و صدور حکم بر خالصگی می توانست قبضه تا بخیرید و ادر دولت بماند

سالیانه بپردازند الی آخر  
**رئیس** - آقای اهنوی  
**اهنوی** - اینجا مطلب همان است که آقایان هم توضیح  
 بدهند که این دعوی ممکن است مدتی طول بکشد اینجا  
 قید میکند تا آخر ۳۱۱ بدو قسط متساوی سالیانه این  
 غلایه مورد پیدا نمیکند بنهی ممکن است یکسال یکسال درون  
 دعوی طول بکشد و آنوقت مورد پیدا نمیکند برای اینکه  
 وزارت مالیه هم شرکت کند در تمسب امر و مالکین  
 هم بگفتند باشند بانجام این عمل ساز خرید بنده این  
 پیشتر ادا کردم اصل مقصود این است که چله تا آخر  
 ۳۱۶ پرداخته شود و قید شود که پس از ختم دعوی  
 در ظرف دو سال بدو قسط متساوی سالیانه هر وقت که تمامند  
 آنوقت پس از ختم ترا از تاریخ فرار دهند آنوقت بانطور خواهد  
 شد که پس از ختم دعوی و صدور حکم بر خالصگی  
 میتوانند در دو قسط متساوی سالیانه بپردازند هر وقت  
 که دعوی تمام شد و حکم خالصگی صادر شد از این  
 تاریخ بدو سال بدو قسط متساوی میتوانند بپردازند البته  
 مابقی هم نخواهد بود که زودتر بپردازند ولی آقایان را که  
 وزارت مالیه در این ماده در نظر گرفته اند آنوقت موضوع  
 پیدا میکند.  
**ولیبرمالیه** - تهنی دارم باز این ماده را یک مرتبه  
 دیگر مطالعه دقیقتری بفرمایند و تصدیق بفرمایند که  
 مطابق همان چیزی که عرض کردم این بهتر است و  
 همانطوریکه آقای باستانی فرمودند و بخواند یک کاری  
 بکنیم که زود تر این دعاوی و اعتراضات از میان  
 برود و تمام شود ولی این سبب می شود که  
 هر کسی هم که دعواهای را بیاورد یک ارفقی بهتر بشود  
 اولاً همه اش که دعوی نیست اگر قانون خالصه انتقالی  
 را در نظر بگیریم حکایت هم منظور کردیم برایش  
 همه اش که مجازات عدلیه و محاکمات مالیه که نسبت  
 که وقت همین بکنند اگر طرف حاضر نبود حق رسیدگی  
 نمیباشد داشته باشد حکایت است پس در اینصورت هر چه

دست و شرب الاچل را محدود کنیم برای آن نظر  
 مقصودی که داریم بهتر میشود و سبب میشود که هر کس  
 بتواند با قسط بپردازد و مجبور باشد یکسال بپردازد والا  
 اگر این را سالیانه سال و بطور دائم بگذرانید هر وقت  
 که شد دوباره اصلاح بدهیم انسان اگر نخواهد خودش را  
 راحت کند و بگوید این پول این هم سند این کار که  
 ساعت است اما یک کتبی درست بکشیم که چند نوبت  
 را حالا داد چند ماهش را سال آید داد آفتاب لول  
 را داده است ما می خواهیم زحمت را موقوف کنیم  
 لهذا موافقت بفرمایید که اگر تاخر کرد تا آخر دوسال  
 این جریان داشته باشد که یک جا بدهند باستانی آن در مورد  
 که آنها حق دارند تا آخر مال بدهند  
**رئیس** - آقایانیکه پیشنهاد آقای تهنی را قابل توجه  
 میدانند قیام فرمایند  
 (عده قاپلی قیام نمودند)  
**رئیس** - تصویب شد پیشنهاد آقای کازرونی فراتر نبرد  
 یعنی از نمایندگان - استرداد کرد  
**پیشنهاد آقای کازرونی**  
 بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۳ و ۴ بهاد جملات مخالفان  
 انتقال اضافه شود - که میزری شده باشد  
**کازرونی** - توضیح زیادی ندارد شاید در اصل این  
 لایحه هم که جدیداً تبدیل شد ذکر شده باشد لکن البته  
 منافات ندارد مسلم است خود آقای وزیر هم اعتراف  
 میکنند که در صورتی این حق برشان تعلق میگیرد کمیتری  
 شده باشد نهایت الطوبختان میدهند که بزودی بمنزله انجم  
 خواهد گرفت بنده همان سقز را که (البته) باید داشته باشد  
 اضافه بوش کردم منافاتی هم ندارد  
**ولیبرمالیه** - اینجا هم دارد که در صورتیکه میزری  
 فتود مطابق قانون سابق رفتار خواهد شد (صحیح است)  
**رئیس** - نظر آقای وزیر مالیه چه بود؟  
**کازرونی** - استرداد میکنم  
**رئیس** - آقای شریعت زاده پیشنهادی داده اند:  
**پیشنهاد آقای شریعت زاده**

پیشنهاد میکنم در ماده (۳) بجای (مدارک اعتراف  
 بر خالصگی) نوشته شود (اعتراف بر خالصگی)  
**شریعت زاده** - این اشکال بنظر بنده خبیل قابل توجه است  
 برای اینکه قانون خالصه انتقالی با اصولی برای رفع اختلاف  
 بین دولت و مردم که منکر خالصگی هستند مبین کرده است  
 و آن اصول باید بعضی ثبوت اختلاف بین دولت و معترض  
 مجری و رسیدگی شود ولی اینجا قید شده است که وقتی  
 از این استننا منتهض خواهند شد که مدارک اعتراف  
 را تقدیم کرده باشد در صورتیکه همچو شرطی نیست باید  
 اعتراف کرده باشد وقت اعترافی کرد باید مطابق آن  
 اصول رفتار شده باشد ما میتوانیم بگوییم اگر مدارک  
 اعتراف را هم نداده باشد ولی اینکه اعترافی هم داده باشد  
 از این حق باقی محروم باشد باین جهت بنده تصحیح  
 کردم که اگر اعترافی هم کرده باشد میتواند  
**ولیبرمالیه** - مقصود همان بود که فرمودند همه اعتراف  
 مقصود نیست اعتراف نامه اش را اگر بدولت تقدیم کرده  
 باشد البته مطابق آن ترتیبی که داریم آن اعتراف نامه اش  
 را داده باشد حالا اگر حکمکه میبود البته لازم نیست  
 که آن مدارک را آورده باشد سواد مدققان را تقدیم  
 کرده باشد وقت که حکمکه حکایت تشکیل می شود البته  
 آنچه مدارک را می دهد ولی مقصود این است که علی الاصول  
 داده باشد اگر اصلاح بفرمایند (اعترافنامه اوبر خالصگی)  
 بوزارت مالیه داده باشد آنوقت بنده هم میتوانم قبول کنم  
**شریعت زاده** - استدعا میکنم تبدیل شود باعترافنامه  
**ولیبرمالیه** - عرض مدارک اعتراف نشود و باعترافنامه  
 بر خالصگی  
**رئیس** - اعترافنامه عبارت سلیسی نیست  
**ولیبرمالیه** - بنده نظر این بود که اعتراف یعنی عمل  
 اعتراف است اگر هم گفته باشد که من اعتراف دارم ممکن  
 است شامل شود ولی مقصود این است که یک کاغذی  
 داده باشد که من اعتراف دارم (اعتراف کتبی) نوشته شود  
 البس - هم ممکن است تکرار فیکند

**رئیس** - پیشنهادی از آقای دکتر طاهری رسیده است:  
**پیشنهاد آقای دکتر طاهری**  
 ماده پنج و بیست و نهم دولت عطفه  
 پیشنهاد میشود در ماده ۳ - سطر دوم کلمه (باید)  
 تبدیل شود به (باید)  
**دکتر طاهری** - بنده باین کار که در طبع اشتباه  
 شده است چون این عبارتی که نوشته شده است صحیح  
 نیست برای اینکه نسبت بمخالصجات انتقالی که تا آخر سال  
 ۱۳۱۰ معامله باز خرید بعمل نیامده (۳۱۰ سال  
 آید است آخر ۳۱۰) و اقساط کلایر داخه ندر  
 این عبارت صحیح نیست باید بجای نیامده بنویسند (باید)  
 معامله باز خرید بعمل نیاید و اقساط کلایر داخه نشود  
 یعنی از این بنده بمان - اولی بهتر است  
**ولیبرمالیه** - اینجا آقای دکتر طاهری فارسی را  
 اینطور می پرسند بنده حرفی ندارم ولی بنظر بنده  
 فارسی همین است چون میگویند اگر کسی اینجا  
 رفته یا فلان آدم ندیده باشد اگر رفته باشد و ندیده  
 باشد اما اگر هم عقیده شان این است که این بهتر  
 است عرضی ندارم - قبول دارم  
**رئیس** - یکبار دیگر ماده را با اصلاحات پیشنهادی  
 و رأی میگیریم:  
 ماده سوم - نسبت بمخالصجات انتقالی که تا آخر  
 ۱۳۱۰ معامله باز خرید بعمل نیاید و اقساط کلایر داخه  
 ندرود بزبای قانون ۲۰ اسفند ۱۳۰۶ از حیث پرداخت  
 با قسط زایل شده و باز خرید آنها فقط در  
 صورتی ممکن است که تمام قیمت باز خرید  
 یک مرتبه پرداخته شود مگر در مورد خالصجات انتقالی  
 که تا اول دیماه ۱۳۰۹ از طرف دولت در جزئی آنها  
 اقدام نموده است و با املاک که خالصه انتقالی بودند آنها  
 بین دولت و افراد متنازع فیه بوده و اعتراف کتبی بر  
 خالصگی تا آخر سال ۱۳۰۹ بوزارت مالیه داده شده  
 و منتظر رسیدگی است صاحبان املاک مزبور در مورد  
 اول بدد از تعیین مالیت اربابی آنها مطابق قانون ۱۲

آبان ۱۳۰۹ خ در مورد لایحه ایس از قطع دعوی مصدور حکم بر خالصگی مینویسد تا آخر سال ۱۳۱۱ قیمت باز خرید را بدو قسط متعادلی سابقه بپردازند ولی مملکت و مقررات ماده اول و دوم این قانون دربارۀ آنها مجری خواهد شد

رئیس - موافقت با ماده سوم قیام فرمائید .  
( اغلب بر خاستند )

رئیس - تصویب شد . ماده چهارم

ماده ۴ - این قانون از اول تیرماه ۱۳۱۰ مجری و وزارت مالیه مأمور اجرای آن خواهد بود

رئیس موافقت با ماده چهارم قیام فرمائید  
( اغلب نمایندگان قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد . ماده الحاقیه از طرف آقای افتخار رسیده است

پیشنهاد آقای افتخار

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی دامت شوکتہ نظر بقفل و غارت و صد ماینکه سالیان متوالی وارد مجلس و رشایه شده و بطوریکه دولت آن دو ولایت را پنج سال از ادای مالیات معاف داشته است ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد مینماید :

ماده الحاقیه - قیمت باز خرید خالصگی اصلاحی ولایت رشایه و سلماس در ظرف دو سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۱ بدو قسط متعادلی ماعوف و مقررات ماده (۱) و (۲) این قانون از افتضاء مدت دو سال شامل خالصجات انتقالی این دو ولایت خواهد بود .

افتخار - البته خاطر نمایندگان محترم و عموم اهالی مستعظم است که رشایه و سلماس سالیان متوالی دچار محنت و انواع مخارج فوق العاده که نظیر آن در تاریخ ایران دیده نشده است بدم و تنها این اواخر در آن تاریخ اغلب محضرین همایونی دو ولایت زیبای ایران از دست اشترار مستخلف شد تمام امرت فرموده های آن پادشاه بکسان شده بود اهالی این دو ولایت عشر نقیض یافته بود بطوریکه باقیمانندگان اهالی و طبقه السیف اهالی محتاج بنان شب

خود بودند دولت مجبور باطله اعانه و قرضه شده و بجنال این دولایت را از مالیات معاف کرد در ۱۳۰۷ سلماس و رشایه را همیزی کردند از آن تاریخ تا حال بنی تا اواخر ۱۳۰۹ مالیات املاک اربابی از این دو ولایت گرفته می شد و مالکین و زارعین خالصجات انتقالی این دو ولایت تصور می کردند که املاک آنها وارفت مصدور تبصره ۲ ماده ۳ قانون خالصجات انتقالی می باشد و آنها را اربابی قرار داده است ولی یک مرتبه در اواخر ۱۳۰۹ مالیه محل بنای مطالبه اسناد خالصگی گذارده و باینقتار فوق العاده اهالی این دو ولایت را تحت تعقیب قرار داده اند باینکه دولتی و فلاکت زارعین و مالکین آنها و مخصوصا در اثر مطالبی که بوسیله زلزله وارد این دو ولایت شده و اغلب دهات سلماس و رشایه را با خاک یکسان کرده است اجرای مقررات مواد قانون جدید میبویچ در این دولایت عمل نتواند شد و اگر بخوانند این قانون را بطوریکه بتصویب رسیده است در آنجا اجرا کنند بکلی املاک خرابه این دو ولایت از بین خواهد رفت از این نقطه نظر است که بنده این ماده الحاقیه را پیشنهاد کرده ام و امیدوارم آقایان قبول فرمایند  
( منجیح است )

ولیرمالیه - بنده اگرچه اول باسنتناه قابل بود ولی بنده از مطالعه در این موضوع چون بخصوص امری اهالی نفاذ آسب دیده بود و خصوصاً دولت پنجاه سال زالیان معافتان کرده است بنده موافقت کردم و حالا ما ملایط موافقت میکنم با این ماده الحاقیه

رئیس - آقای اسر فرمایشی دارید :  
اسر - بنده موافق بودم اجازه خواستم که اگر مخفی احتیاطا پیدا شد عرض کنم

رئیس - رأی میگیریم بماده الحاقیه بنحوی که ثابت شد آقایان موافقت قیام فرمائید  
( اغلب قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد . ماده الحاقیه در سگری آقای شربت زاده رسیده است

پیشنهاد آقای شربت زاده  
ماده الحاقیه - مقررات قانون مرور زمان نسبت بمواد غیر منقول و همچنین مقررات قوانین عمومی راجع به سندیت تصرف منصرفین در مورد املاکیکه دولت مدعی خالصگی است مجری خواهد بود

شربت زاده - بنده بدون مدافه در تأیید این ماده الحاقیه این پیشنهاد را کردم فقط از نقطه نظر امشادیکه باینکه مندرجه آن در تمام زهرا که من مستفیدم در دعای سببقتنالی در هر حکمه میخواند باشد باید بطوری باشد که جامعه تصور نکند بین حکومت و خویش تقابلی است

( منجیح است ) بدین مناسبت بنده بکسی از وظایف مهمه مجلس و دولت میدانم که راجع باین مطلب بخصوص اول اینکه این پیشنهاد بنده تصویب نشود وقت کافی کنند که از این حیث هیچ عوع اختلافی در مملکت وجود نداشته باشد بکسی دیگر راجع بتأثیر قوانین عمومی در خصوص سندیت تصرف منصرفین است این هم بک

مطلبی است که اصولاً باید مصومیت داشته باشد بچوقت هیچ کس ندادار بدوید تمام مملکت در تمام محکمات دولتی یک اصل وجود داشته باشد ولی در مورد تربیت و توفیق

بایک فردی این اصل مورد استناد واقع نشود باینجهت است که بنده توجه دولت را جلب میکنم اگر موافقت میکنند همین حالا تصویب شود خیلی خوب است ولی اگر بنظر نمایندگان محترم موقوفش نباشد آهم مطلبی است

ولیرمالیه - بنده از اینکه راجع بیک مطلب مهمی نکته مهمی جلب نظر مجلس و دولت را فرمودند خیلی ممنونم و تصدیق می میکنم که مطلب و موضوع لایحه وقت و توجه و مطالعه است و باید قانونی آورد و درست کرد ولی اجازه فرمایند منتهی کنم که نظر باینکه هر مطلب کردنی حتی این لایحه که بنده بنیدم دو فوریت آوردم هم آقایان در کمیسیون مطالعه کامل کردند هم ما در وزارت مالیه مطالعه کردیم و هم در یک جمعی از آقایان مذاقه کردیم و کتبی تمام اطراف را سببیدیم اینمطاب بار یکیکه محتاج

شربت زاده - اجازه میفرمائید ؟ نظر یا بیکه از توضیحات آقای وزیر مالیه میآید که دولت متوجه اهمیت این موضوع است و وعده دادند که باین فکر موافقت کنند بنده هم تقاضایم که عملاً موافقت

شربت زاده - اجازه میفرمائید ؟ نظر یا بیکه از توضیحات آقای وزیر مالیه میآید که دولت متوجه اهمیت این موضوع است و وعده دادند که باین فکر موافقت کنند بنده هم تقاضایم که عملاً موافقت

بمالیه است و بنده حاضر الامن بستم که باینکه بگویم دولت قبول میکند و بساحت که مالیا را متضمن است و بساعتی که مفسدین را ممکن است متضمن باشد مثلاً الا این جزو ماده الحاقیه لایحه دعوی فرمائید حالا خالصجات و دعای مردم در پروت از تقسیم خیلی بیجا بیج و مفید است

دوم بوده ولی برورد زمان مجلس بواسطه قوانینی که وضع کرده است یک قدری محدودتر و صافتر کردمانند و نیاز محتاج باین است که خیلی روشن باشد و مسلم باشد و مدارک مسلم باشد و ترتیب محاکمه و تازه یک قانون محاکماتی بین افراد و دولت مجلس تصویب فرمودند

و نظامات محاکمه گذشته البته محاکمات مالیه که تنکیلی می شود و ما در وقت در آنجا خواهد شد و مطابق اصول قضائی و حقوقی و مدارک صحیحه رفتار میکند و آن اندازه که ممکن است البته وقت می شود ولی تصدیق می فرمائید که این مسئله باریک است از این حیث هم از طرف مردم هم از طرف دولت در بعضی جاها ممکن است رفتار شوند ملایط ملک سلماس را ممکن بود بکسی بگوید رقیه است و نیول است و این زحمتها ولی تصدیق فرمایید در بعضی جاها آنچه میماند کما خالصه میماند و از قندیم خالصه بوده مردمی بداند اند که بویالی بول داشته اند الا آن ما بنیلا همان است آرقام مستصرف کرده است از محرم دست ما آمده است و این اختلافات روز بروز کمتر و محدودتر شده است ولی اگر اجازه فرمایید ممکن است بنده حاضرم که یک یادداشتی فرمایم

یا بطرحی باین لایحه بنشینم مذاکره کنیم در کمیسیون و اینها و تکلیفش کنیم ولی مسافتها نیز کم که بنود فوریت توأم این را قبول کنیم و لایحه وقت نوله شود که خود آقام راضی شوند از این جهت میخواهم خواش بکم که اسر داد فرمایند ولی از طرفی جلب نظر دولت و باید این کارها بسجری صحیح بوند

منظورشان بود و از طرفی هم البته قابل توجه است

شربت زاده - اجازه میفرمائید ؟ نظر یا بیکه از توضیحات آقای وزیر مالیه میآید که دولت متوجه اهمیت این موضوع است و وعده دادند که باین فکر موافقت کنند بنده هم تقاضایم که عملاً موافقت

شربت زاده - اجازه میفرمائید ؟ نظر یا بیکه از توضیحات آقای وزیر مالیه میآید که دولت متوجه اهمیت این موضوع است و وعده دادند که باین فکر موافقت کنند بنده هم تقاضایم که عملاً موافقت

شربت زاده - اجازه میفرمائید ؟ نظر یا بیکه از توضیحات آقای وزیر مالیه میآید که دولت متوجه اهمیت این موضوع است و وعده دادند که باین فکر موافقت کنند بنده هم تقاضایم که عملاً موافقت

کند که نامه واحد بانک طرحی پیشنهاد شود ولی از این حودا حفظ میکنیم که اگر ندرد عنوان بانک واحد واحد بانک طرح دیگری که مقتضی باشد این فکر اعمال خواهد شد فعلاً استرداد میکنم

۹- اقتراح برای شرفیای حضور همایونی رئیس - روز چهارشنبه بعد از ظهر است و با این برای شرفیای حضور بلو کانه هیئتی استراخ شود این است که استراخ می شود:

(اقتراح بعد از آنکه آقایان بمجلس ایامی رسیدند) آقای ملک آردال - آقای منصور سنگ - آقای رئیس آقای حکمت - آقای بیات ماکو - آقای میرزا محمد تقی طایطی آقای مزدجی - آقای دهنشانی آقای اقبال - آقای دکتر ملک زاده - آقای میرزا محمد حسن تراب - آقای کازرونی

۱۰- مواعید دستور جلسه بعد - ختم جلسه رئیس - اگر موافقت میفرمائید جلسه آینده در روز چهارشنبه ساعت قبل از ظهر در مرحله اول دستور شود اول لایحه الحاق خراسان در ایران و بعد باقی مواعید موجوده (مجلس یک ساعت بعد از ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی - خادگار

### قانون

اجازه استخدام سه نفر مخصوص امریکایی برای خدمت در راه آهن جنوب ماده واحده - وزارت طرق مجاز است سه نفر مخصوص امریکایی را برای خدمت قبل در راه آهن جنوب بدین دو سال استخدام نماید :

- ۱ - يك نفر مخصوص لکوموتیو
  - ۲ - یک نفر برای سوار کردن ماشین آلات و مدیریت ماشین خانه
  - ۳ - یک نفر برای نگاهداری و برابرت خطوط راه آهن
- حقوق هر يك از مستخدمین مزبور سه ساله است و برای آوردن هر يك از آنها به ایران متعهد دلار و همچنین برای مراجعت هر يك از آنها متعهد دلار خرج سفر پرداخته خواهد شد و وزارت وایلیه مجاز است مبلغ مزبور را از محل اعتبارات اعمار قندو شکر و چای بردارد سایر شرایط کنترات مستخدمین مزبور بر طبق قانون ۲۳ عرق ۱۳۰۱ تعیین خواهد شد .

این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه پنجم اردیبهشت ماه یکصد و دو شصت و پنج مجلس شورای ملی رسید

### قانون

#### تیم قانون مالیات خالصجات انتقالی

ماده ۱ - از صاحبان خالصجات انتقالی که تا تاریخ اجرای این قانون هیچ يك از اقساط باز خرید مثال دیوانی ملک مشرفی خود را مطابق اقساط مینمه در قانون پرداخته باشند از تاریخ تصویب قانون ۲۰ اسفند ماه ۱۳۰۶ مثال خالصگی مطابق آنچه که در ماده ۳ قانون مزبور مقرر شده مأخوذ میشود

ماده ۲ - در مورد خالصجات انتقالی که تا تاریخ اجرای این قانون تمام اقساط باز خرید مثال ملک پرداخته ندهد است نسبت بآن قسمتی از جمله که مثال خالصگی آن باز خرید و قسط پرداخته شده مالیات ملک اربانی و نسبت بآن قسمتی که قسط پرداخته ندهد مثال خالصگی انتقالی مطابق ماده ۳ قانون ۲۰ اسفند ماه ۱۳۰۶ مأخوذ خواهد بود

ماده ۳ - نسبت بخالصجات انتقالی که تا آخر سال ۱۳۱۰ مهاله باز خرید بعمل نیاید و اقساط کل پرداخته نشود برای قانون ۲۰ اسفند ماه ۱۳۰۶ از جهت پرداخت با اقساط زایل شود و باز خرید آنها فقط در صورتی ممکن است که تمام قیمت باز خرید يك مرتبه پرداخته شود مگر در مورد خالصجات انتقالی که تا اول دی ماه ۱۳۰۹ از طرف دولت در میز آن اقدام ندهد است و یا املاکی که خالصه انتقالی بودن آنها بین دولت و افراد متنازع ایه بوده و اعتراض کتبی بر خالصگی تا آخر سال ۱۳۰۹ وزارت مالیه داده شده و منتظر رسیدگی است صاحبان املاک مزبور در مورد اول بعد از تعیین مالیات اربانی آنها مطابق قانون ۱۲ آبان ۱۳۰۹ و در مورد ثانی پس از اقیع دعوی و صدور حکم بر خالصگی متبواتند تا آخر سال

۱۳۱۱ قیمت باز خرید را در دو قسط متساوی سالیانه بپردازند ولی موقوفه مهرات داده اول و دوم این قانون در باره آنها مجری خواهد بود

ماده ۴ - قیمت باز خرید خالص کسبی خالصجات انتقالی ولایت رضائیه و سلیمان در ظرف دو سال ۱۳۱۱ و ۱۳۱۲ بدو قسط متساوی مأخوذ و مهرات داده ( ۱ ) و ( ۲ ) این قانون از اغراض دولت دو سال شامل خالصجات انتقالی این دو ولایت خواهد بود.

ماده ۵ - این قانون از اول تبر ماه ۱۳۱۲ مجری و وزارت مالیه مأذور اجرای آن خواهد بود این قانون که مشتمل بر پنج ماده است در جلسه پنجم اردیبهشت ماه یک هزار و سیصد و ده شمسی تصویب مجلس شورای ملی رسیده رئیس مجلس شورای ملی - دادگستر

۱۳۱۱